

بیاید تا در اول ماه مه (روز جهانی کارگر) اعلام کنیم:

ما انسانیم. شایسته یک زندگی متفاوت. شایسته بهره مند شدن از روابطی آزاد از ستم و زور و تبعیض. شایسته تعیین سرنوشت خویش.

ما انسان های محرومیم. انسان هایی که از صبح تا شب زحمت می کشیم اما هر روز فقیرتر و پر دردسزتر می شویم. ما اکثریت جامعه ایم، اما حاصل کار و تلاش مان نصیب گروهی کوچک می شود که نظام بهره کشی سرمایه داری را می چرخانند و صاحب دولت و اسلحه و دادگاه و زندانند.

ما انسانیم. در اسم، شهروند و در واقعیت موجودی درجه دوم. ما ارزش می آفرینیم و ارزشمندیم اما در نگاه سرد و بیرحم نظام حاکم و ایدئولوژی ارتجاعی اش، بی ارزش به حساب می آیم. انرژی و نیرویی محسوب می شویم که مثل سوخت ماشین هر روز باید مصرف شود. گوسفندانی محسوب می شویم که محتاج چوپانند، صغیرهایی که محتاج قیم اند. حاکمان با حراست و بسیج و سپاه و اطلاعات و نیروی انتظامی، با دین و آخوند و خرافه، با زهر پدرسالاری و مردسالاری، با تفرقه افکنی و تحقیر ملی، با چماق رسانه ملی، ما را در بند نگه می دارند و به جان هم می اندازند.

ما زحمتکشیم. از کوره های داغ ذوب فلز تا کارگاه های قالبیافی، از دستگاه پرس تا راهروهای درمانگاه، از حجره ها و انبارهای بازار تا کشتزارهای نیشکر، از آشپزخانه و مهد کودک و کار خانگی تا سالن های عظیم ماشین سازی و.....

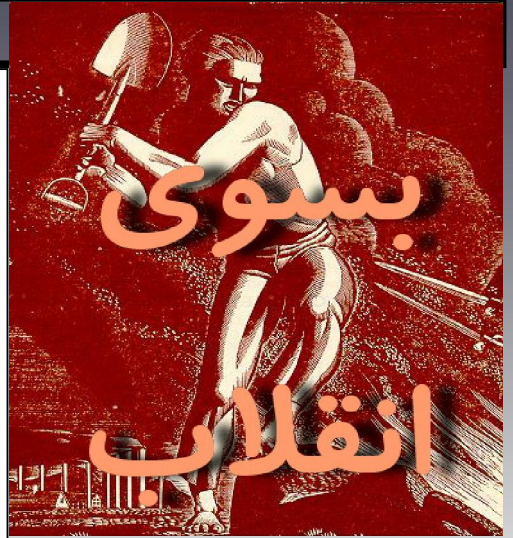
ما کارگریم. زن و مرد. لایق دانستن اسرار بی پایان کائنات. لایق رها شدن از افسانه آفرینش و توهم قدرت ناموجود آسمانی. لایق فهمیدن دنیا. لایق تغییر خود و تغییر شرایط حاکم. لایق بیدار شدن، متحد شدن، شورش کردن. لایق برچیدن بساط حاکمان جلاد و استثمارگر. که باید جامعه نو را بسازیم و دولت نوین را اداره کنیم. که باید قانونی پیشرو بنویسیم. انقلابی واقعی، ریشه ای و مردمی انجام دهیم. و جامعه را تا محو طبقات، تا خشکاندن ریشه ستم طبقاتی، جنسیتی، ملی و نژادی و مذهبی به هر شکل و هر درجه، دانه دانه بکنیم.

ما در برابر نظام استثمار سرمایه داری قد علم کرده ایم. نظامی که میراث سنگین هزاران سال جامعه طبقاتی را در انبان دارد. در هم شکستن نظام سرمایه داری و خلاص شدن از این میراث سنگین، در گرو در هم شکستن زنجیرهای ریز و درشتی است که نیمی از جامعه انسانی یعنی زنان را از روز نخست شکل گیری جامعه طبقاتی به بند کشیده است. ما عمق دشمنی خود با نظام طبقاتی را با مبارزه پیگیر با ستم جنسیتی، نه فقط امروز که در سراسر مسیر طولانی سوسیالیسم به سوی کمونیسم جهانی، محک می زنیم.

ما نسل از پی نسل ستم دیده ایم و مبارزه کرده ایم. گاه پیشروی کرده ایم و گاه شکست خورده ایم. گاه از دروغ و توهم دل بریده ایم و گاه به امید روزگاری بهتر دنبال وعده و وعیدهای بوج افتاده ایم. و بارها به تجربه دیده ایم که نظام سرمایه داری را نمی توان به نفع محرومان و ستمدیدگان اصلاح کرد. دیده ایم که تا نظام و دولت سرمایه داران بر سر کار است، وضع طبقات محروم و محکوم همین است که هست.

تا سرمایه داری وجود دارد، جامعه انسانی اسیر روابط کهنه و غیر منطقی و استثمارگرانه باقی خواهد ماند. تا سرمایه داری وجود دارد، باورها و ارزش ها و عقاید کهنه و سنتی در اعماق جامعه ریشه خواهد دواند و راه اتحاد آگاهانه و رهایی نوع بشر را سد خواهد کرد. تا سرمایه داری وجود دارد، ماشین کشتار جنگی و سلطه و تجاوز امپریالیستی و ارتجاعی، بساط سانسور و حبس و شکنجه و اعدام، و جهنم فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری و بی حقوقی پا برجاست.

بیش از ۳۱ سال است که ما اسیر یک رژیم استبداد مذهبی هستیم: جمهوری اسلامی. رژیمی سرمایه داری که عباي آخوند و اونيفورم سردار و رخت میلیاردهای دولتی و خصوصی را به تن کرده است. این ها شیره جان ما را می مکند، درآمدهای نفت و گاز و منابع کشور را می بلعند، مثل کرم در بازار بورس و بانک و محافل دلالی و نوکری برای



شماره سی و یکم، سال اول، اردیبهشت ۱۳۸۹

ویژه نامه اول ماه مه

روز جهانی کارگر

✳️ **اعلامیه مشترک روز جهانی کارگر - کارگران کمونیست ایران و جمعی از فعالین کارگری**

✳️ **اعلامیه اتحاد نیروهای چپ انقلابی درون کشور به مناسبت روز جهانی کارگر**

✳️ **منشاء روز [اول ماه] مه چه هستند؟ (۱)**

- **روزا لوکزامبورگ**

✳️ **میگویند، گذشته چراغ راه آینده است!**
- **راوی**

✳️ **گزیده هایی از اعلامیه میر (MIR) شیلی**

در خصوص زمین لرزه ۲۷ فوریه

ترجمه به انگلیسی: ایرل گیلن

ترجمه به فارسی: م. مینایی

✳️ **یادداشتی از رفیق بهروز نوایی**

✳️ **یادآوری: پاندول صفت-رامین رحیمی**

✳️ **اطلاعیه اتحاد بین المللی در مورد اظهارات علیرضا محبوب در مورد اول ماه مه - اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران**

✳️ **عناوین و برنامه های پیشنهادی ایام هفته**

کارگر سال ۸۹ توسط کارگران ایران - جمعی از کارگران ایران خودرو

سرمایه داری جهانی می لولند و سود به جیب می زند. اقتصاد در رونق باشد یا در رکود، بحران زده باشد یا متعادل، بهای نفت کم باشد یا زیاد، در هر حالت سودشان را می برند. اما آنچه نصیب ما می شود، کابوس دائمی بیکار شدن است و نبود امنیت شغلی، فشارهای جسمی و روحی است، و بدبختی های اجتماعی از تن فروشی گرفته تا اعتیاد و خودکشی.

در این ۳۱ سال هر بار جرات کردیم، بر سر خواسته های بر حق مان متحد شدیم و دست به اعتراض و اعتصاب و تظاهرات زدیم، مبارزان و رهبران آگاهمان را گرفتند و به زندان انداختند. برایمان پرونده درست کردند و از کار بیکارمان کردند.

این ها ما را از حق ایجاد تشکل های مستقل، از حق آزادی بیان و حق اعتصاب، محروم نگه داشتند. قانون کار را منطبق بر منافع نظام سرمایه داری و سرمایه داران نوشتند و به اجراء گذاشتند. و هر زمان که گوشه ای از این قوانین و مقررات، دیگر منافعشان را خوب و سریع تامین نمی کرد، آن را "تصحیح" کردند.

این ها هر روزه ای که بلد بودند به گوش جامعه خواندند تا باور کنیم "این دنیا ارزشی ندارد" و باید به فکر آخرت بود. تا باور کنیم "شاید این جمعه بیاید شاید..." تا باور کنیم يك نیروی ترسناک آسمانی که این رژیم نماینده بر حق آن بر روی زمین است همه اعمال و رفتار ما را زیر نظر دارد و جواب طاعات مان را با بهشت و گناهانمان را با آتش جهنم می دهد. تا خیال کنیم هر آنچه بر سرمان می آید قسمت است و قضا و قدر. پس باید همیشه مطیع و تسلیم نظام اسلامی و رهبرانیش باشیم و فکر شورش را از سر بیرون کنیم.

این ها برنامه های شبانه روزی شستشوی مغزی را از منبر "صدا و سیما" و مساجد به اجراء گذاشتند.

این ها احکام و ارزش های کهنه و مردسالارانه و ضد زن را بر قانون مدنی کشور حاکم کردند. بردگی زنان را ترویج کردند و باعث شدند که خشونت علیه زنان در خانواده ها چند برابر شود. به مردان جامعه از تمامی قشرها و طبقات اعلام کردند که شما از برتری قانونی و شرعی نسبت به زنان برخوردارید و فقط در رژیم اسلامی است که می توانید از این امتیاز به نحو احسن استفاده کنید.

این ها برای فریب مردم و دور کردن فکر انقلاب از ذهن جامعه، انتخابات فرمایشی و استصوابی به راه انداختند. کوشیدند مردمی را که هیچ منفعتی در ادامه موجودیت این رژیم و جناح های مختلف و نمایندگان سیاسی اش ندارند به نفع این یا آن نامزد به پای صندوق های رای بکشانند.

این ها کارگران و زحمتکشان مهاجر افغانستانی را در بی حقوقی کامل، وحشیانه در شهر و روستا استثمار کردند و با تبلیغات منظم و کج نمایی های عمدی کوشیدند بین کارگران و مردم ایران با همزنچیران و همسرنوشتان شان تفرقه و دشمنی ایجاد کنند.

این ها مدتی به بهانه تحریم اقتصادی خارجی و جنگ با عراق، و بعد هم به خاطر اجرای سیاست "تعدیل اقتصادی" که فرمان "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی" برای اقتصادهای وابسته دنیا است، ما را در منگنه فلاکت و فقر فشردند. ادامه جنایات روزمره و تدریجی نظام، قطع یارانه هاست. تا در زیر خط فقر، پایین و پایین تر برویم. تا مزد ناچیزی که می گیریم در جنگ با غول گرانی، لاغرتر و بی ارزشتر از آنچه هست شود. «همت مضاعف و کار مضاعفی» که می گویند، اسم رمز «استثمار مضاعف» است.

حالا دوران خیزش نوین مردم آغاز شده است. حاکمان کودتاگر ممکنست با تهدید و سرکوب و قتل بعضی را بترسانند یا برای مدتی مبارزات خیابانی را فرو نشانند و گروهی را دلسرد و ناامید کنند، اما از پس حل تضادها و دردهای بزرگی که ریشه در اعماق جامعه و نظام حاکم دارد بر نمی آیند. نمایندگان «سبز» این نظام ضد مردمی که امروز مغضوب و ضعیف شده اند، ممکنست بخش هایی از مردم معترض را برای مدتی به دنبال فریب و توهم «تغییر و اصلاح رژیم از درون» و «راه های مسالمت جویانه» بکشانند، اما در پاسخ به دگرگونی های اساسی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که نیاز عاجل جامعه است به لکت می افتند. در هر حالت، کلید تغییر نزد ما است. جواب نهایی هم باید از زبان ما شنیده شود که آیا می خواهیم و می توانیم این وضع را عوض کنیم یا نه؟ آیا می خواهیم و می توانیم جبهه های گوناگون نبرد ضد رژیمی را به گرد چند خواسته مرکزی و چندین خواسته مهم و ریشه ای بکشاییم و به هم مرتبط کنیم؟ آیا می خواهیم و می توانیم در مقابل احزاب نظم که نماینده و مدافع نظام حاکمند و احزاب اصلاحات که می خواهند بین مردم و نظام نقش واسطه بازی کنند، زیر پرچم حزب انقلاب اجتماعی - حزب انقلابی کمونیستی - متحد و متشکل شویم؟ آیا در روزهایی که چشم جامعه به سیاست و مبارزه سیاسی و قدرت سیاسی دوخته شده، می خواهیم و می توانیم پرچم نبرد سیاسی پیگیر و عمیق و نقشه مند را به دوش بگیریم؟ آیا می خواهیم و می توانیم برنامه دگرگونی واقعی و قانون اساسی مردمی را در برابر زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه قرار دهیم و همه کسانی که از ستم طبقاتی و جنسیتی و ملی و مذهبی در رنجند را برای تحقق چنین برنامه ای متحد کنیم؟

سرنوشت جامعه مستقیما ربط دارد به پاسخی که ما به همه این ها خواهیم داد. این ها کارهای بزرگی است که انجامشان در گرو داشتن دید روشن و دوراندیشی و شجاعت است. این ها کارهای عمیقی است که با دل بستن به دعوای جناح های جمهوری اسلامی و امید بستن به وعده های سران سبز یا هر نیروی طبقاتی دیگری که نمی خواهد پا را از دایره نظام سرمایه داری و نظم جهانی موجود بیرون بگذارد، هیچگاه عملی نخواهد شد. این ها کارهای انقلابی منظم و به هم پیوسته ای است که با کوتاه بینی های اصلاح طلبانه و توقعات کوچک و چانه زنی های اقتصادی و رفاهی برای «فروش با صرفه تر نیروی کار در بازار سرمایه داری» کلید نخواهد خورد.

ما کارگریم. زن و مرد. با خواسته هایی که ویژه جمع کارگران است. با خواسته هایی که بازتاب تفاوت ها و تمایزهای جنسیتی، رده بندی مشاغل و رشته کارها و نوع کار در میان بخش های مختلف کارگران است. با خواسته هایی بر حق که هرکدام موضوع مبارزه کارگری است یا می باید باشد:

حق تشکیل سندیکا و هر تشکل مستقل کارگری دیگر،
 حق اعتصاب،
 انحلال نهادهای ضد کارگری و جاسوسی و سرکوبگر در محیط های کار.....
 اضافه دستمزد و پرداخت حقوق معوقه،
 لغو قراردادهای موقت،
 لغو کار کودکان،
 منع بیکارسازی و بازخرید اجباری،
 حق کار انسانی برای همگان در شرایط مناسب و با دستمزد مناسب،
 برخورداری از بیمه درمانی و حق بیکاری و بازنشستگی مناسب،
 پرداخت دستمزد برابر به ازای کار برابر به زنان و مردان کارگر،
 لغو قانون حذف یارانه ها که نتیجه ای جز فقر مضاعف برای اکثریت توده های مردم ندارد،
بخشی از خواسته های ما کارگران، همان خواسته های عمومی توده های مردم است:
 آزادی بیان و ابراز عقیده و تشکل و تجمع و اعتراض،
 لغو سانسور و آزادی فعالیت روشنفکری و علمی، فرهنگی و ادبی و هنری،
 آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی،
 جدایی دین از دولت،
 لغو قوانین و مقررات کهنه مردسالارانه و پدرسالارانه و ضد زن،
 منع تبعیض ملی و مذهبی در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و اداری و حقوق شهروندی،
 منع شکنجه و لغو مجازات اعدام.....

ما تحقق منافع و خواسته های اساسی طبقه کارگر و توده های زحمتکش و ستمدیده را در گرو سرنگونی نظام حاکم و رژیم استبداد مذهبی می دانیم. این سرنگونی، خواسته های زیر را که مردم ایران با اشتیاق به دنبالش هستند تحقق خواهد بخشید:

منشاء روز [اول ماه] مه چه هستند؟ (۱)

روزا لوکزامبورگ

ایده-ی فرخنده-ی به کار بردن یک جشن تعطیل پرولتاری، به عنوان وسیله-ای برای اکتساب هشت ساعت در روز، نخست در استرالیا زاده شد. کارگران آن جا در ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند توقف دسته جمعی یک روز کامل کار را با جلسات و تفریحات به عنوان تجلی موافق با هشت ساعت در روز سازماندهی کنند. روز این جشن باید بیست و یکم آوریل می-شد. در ابتدا، کارگران استرالیایی این را فقط برای سال ۱۸۵۶ در نظر داشتند. ولی این نخستین جشن چنان اثر نیرومندی بر توده-های پرولتاری استرالیا بخشید که منجر به تهیه [ژیتاسیون] نوعی گشت که تصمیم گرفته شد جشن را هر سال تکرار کنند.

در حقیقت، چه می-توانست به کارگران شهامت و ایمان بیشتری در قدرت خودشان بدهد تا یک توقف کار توده-ای که آن-ها خودشان آن را انتخاب کرده باشند؟ چه می-توانست شهامت بیشتری به بردگان ابدی کارخانه-ها و کارگاه-ها بدهد تا فراخواندن گردان-های خودشان؟ پس ایده-ی جشن پرولتاری به سرعت پذیرفته شد، و از استرالیا آغاز به گسترش در دیگر کشورها کرده تا سرانجام تمام جهان پرولتاری را فتح کرد.

نخستین نمونه-ای که به دنبال کارگران استرالیایی رفتند، آمریکایی-ها بودند. در سال ۱۸۸۶، آن-ها تصمیم گرفتند اول [ماه] مه باید روز توقف جهانی کار باشد. در این روز دو میلیون نفر از آن-ها کارشان را ترک کرده و هشت ساعت در روز را طلب کردند. بعداً، تضیقات پلیسی و قانونی کارگران را سال-ها در تکرار تظاهراتی با این [وسعت] مانع شد. معهداً در سال ۱۸۸۸ آن-ها تصمیم خود را تجدید کرده و مصمم شدند که جشن بعدی در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ باشد.

در این اثنا، جنبش کارگران در اروپا قوی-تر و با تحرک-تر شده بود. قوی-ترین نمود این جنبش در کنگره-ی کارگران انترناسیونال در ۱۸۸۹ رخ داد. در این کنگره که چهارصد نماینده حضور داشتند، تصمیم گرفته شد که هشت ساعت در روز باید نخستین مطالبه باشد. پس از آن، نماینده-ی اتحادیه-های فرانسه، کارگر لاوین [۲] از بوردو خواست که این مطالبه در تمام کشورها با یک توقف جهانی کار ابراز شود. نماینده-ی کارگران آمریکا توجه را به تصمیم رفقایش برای اعتصاب در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ جلب کرد، و کنگره این تاریخ را برای جشن جهانی پرولتاری برگزید.

در این مورد، مانند سی سال پیش در استرالیا، کارگران واقعا فقط یک بار تظاهرات در نظر داشتند. کنگره تصمیم گرفت که کارگران همه-ی سرزمین-ها با هم-دیگر برای هشت ساعت در روز در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ تظاهرات بکنند. هیچ کس از تکرار تعطیل برای سال-های بعد سخنی نگفت. طبیعتاً هیچ کس نمی-توانست طریق برق-آسایی را پیش-بینی کند که با آن ایده موفق شده و چه به سرعت از طرف طبقات کارگر پذیرفته خواهد شد. معهداً، جشن گرفتن روز اول [ماه] مه به سادگی یک بار کافی بود، تا این که هر کس بفهمد و حس کند که روز اول [ماه] مه باید یک نهاد سالانه و پیگیر باشد.....

اولین [خواست اول ماه] مه، پذیرش هشت ساعت در روز را مطالبه کرد. ولی حتی پس از رسیدن به این هدف، روز [اول ماه] مه از بین نخواهد رفت. تا زمانی که مبارزه-ی کارگر به ضد بورژوازی و طبقه-ی حاکم ادامه دارد، تا زمانی که همه-ی مطالبات پذیرفته نشده-اند، روز [اول ماه] مه نمود سالانه-ی این مطالبات خواهد بود. و وقتی که روزهای بهتری سر زند، وقتی که طبقه-ی کارگر جهان رستگاریش را به دست آورد- آن گاه هم بشریت احتمالاً روز

اول ماه مه را به سر آغاز انقلاب کارگری تبدیل کنیم

خجسته باد اول ماه مه (یازده اردیبهشت) روز بین‌المللی مبارزه کارگران علیه سرمایه داران

در این گوشهٔ دنیا، در ایران که سرمایه داری عقب مانده حاکم است، رژیم جمهوری اسلامی با برقراری شرایط و مقررات پادگانی در کارخانه ها، عملاً مراکز کارگری را به اردوگاه های کار اجباری تبدیل نموده است. با اعمال تبعیض سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر کارگران و زحمتکشان و تحمیل ستم طبقاتی و بهره کشی ظالمانه از طبقه کارگر، سایه فقر مطلق را بر زندگی توده های محروم جامعه گسترش داده است. این شرایط باید به نفع **توده های مردم** تغییر کنند. کارگران انقلابی باید توده های مردم را برای درهم شکستن جمهوری اسلامی سرمایه داران، زمینداران، روحانیان و بوروکرات ها، آگاه، متشکل و آماده نمایند. آنان باید برای این امر عظیم و خطیر، به تودهٔ طبقهٔ کارگر آگاهی دهند که تغییر اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در گرو تشکل کارگران در تشکل های توده ای مستقل خود و در حزب انقلابی کارگران است. آنان باید به کارگران بیاموزند که تنها با گرفتن قدرت سیاسی در دست توده های مردم با رهبری کارگران، شرایط زندگی مردم ایران انسانی خواهد شد. آنان باید به کارگران بیاموزند که با متوقف کردن چرخ تولید و کار در کشور یا به عبارت دیگر با اعتصابات عمومی و قدرت مسلح خود می توانند این مبارزه را به پیش برند، رهبری طبقهٔ کارگر را تأمین کنند، قدرت سیاسی را به کف آورند و دموکراسی انقلابی را برقرار نمایند.

برای اینکه کارگران شاهد درد و رنج فرزندان شان نباشند، فقر و تنگدستی آنان، کودکان شان را مجبور به فروش نیروی کار خویش ننماید و یا هر روز بر آمار کارتن خوابان و کودکان خیابانی افزوده نگردد، باید با رژیم جمهوری اسلامی که مسبب این جنایات است مبارزه کرد و آن را برانداخت. باید این مبارزه را به پیش برد تا تودهٔ مردم برای تأمین نان و امرار معاش و یا درمان بیماری، مجبور به فروش خون و کلیهٔ خود نباشند.

آری برای سعادت تودهٔ مردم، باید حاکمیت سرمایه داران، زمینداران، روحانیان و بوروکرات ها را بر قدرت سیاسی نابود کرد. برای اینکه اشتغال یا بیکار سازی کارگران به میل و اراده سرمایه داران، وابسته نباشد، باید عزم و اراده انقلابی کارگران بر سرنوشت خود حاکم گردد. تنها راه اعمال ارادهٔ انقلابی کارگران علیه سرمایه داران و دولت حامی آنان، افزایش آگاهی طبقاتی و تلاش بی وقفه برای سازمان یابی و پی ریزی تشکل های مستقل طبقهٔ کارگر است. باید طبقهٔ کارگر متشکل در سندیکاها، صنعتی و اتحادیه های کارگری با سیاست و برنامهٔ حزب سیاسی خود، نظام سرمایه داری را به چالش بگیرد و توده های وسیع محرومان را به صف مبارزهٔ انقلابی فرا بخواند. باید دامنهٔ جنبش اعتراضی تودهٔ مردم گسترش پیدا کند و طبقهٔ کارگر در پیکار انقلابی خود علیه استثمارگران و سرمایه داران حاکم، نقش کنونی خود را که رهبری مبارزات ضد استبدادی و ضد سرمایه داری در انقلاب آتی ایران است، تأمین نماید، تا به نوبهٔ خود در ایران نیز زمینهٔ نقش تاریخی طبقهٔ کارگر را که محور طبقات از جامعهٔ انسانی است فراهم نماید.

توقف تولید و اعتصاب همگانی، تظاهرات و مبارزهٔ انقلابی برای سرنوختی جمهوری اسلامی و تداوم انقلاب توده ها برای برپایی جمهوری دمکراتیک شورایی و کسب قدرت سیاسی برای برقراری دولت شورایی، راه حل پایان بخشیدن به تبعیض ها و بی حقی ها و فقر و گرسنگی کارگران و زحمتکشان است. براندازی حکومت سرمایه داران و دست یابی به آزادی و دمکراسی انقلابی و پی ریزی جامعه ای عاری از ستم و استثمار و زدودن فقر و نابرابری های حقوقی از جامعه و گذار به جامعهٔ سوسیالیستی در گرو قدرت یابی شوراهای مسلح کارگران و زحمتکشان است. «رهایی کارگران تنها به دست خود کارگران صورت می گیرد» پس آنان خود باید رهبر انقلاب کارگری در دستور مبارزهٔ طبقاتی کنونی جامعهٔ ایران باشند.

«بسوی انقلاب» را بخوانید و در میان مردم پخش کنید!

میگویند، گذشته چراغ راه آینده است!

راوی

میگویند گذشته چراغ راه آینده است! ببینیم تا چه حد این مصداق کار امروز ماست؟ یک سال گذشت و ما اینک در تدارک مراسم اول ماه مه جدید هستیم که در آن اینک نام پارک لاله به نام مادران عزادار مبارز تداعی میشود. جامعه ایی که در آن نیروی قدرتمندی به نام عصیان جامعه زن مهر خود را پر رنگتر از همیشه بر اراده کل جامعه برای تغییر و برقراری نظام نوینی کوبیده است. جامعه ایی که اینک توهمات شکست ناپذیری جمهوری اسلامی برای بسیاری از توده های ستمدیده و زحمتکش در هم شکسته شده و گاه همزمان آینده و حال و گذشته را بصورت پروسه های کوتاه و فشرده تجربه میکند. جامعه ایی که با وجود عصیان نیروی جوان سرکش، دامنه خواست تغییر حتی به زیر روسریها و چادرهای مادر بزرگهایی هم کشیده شده که در زد و خوردهای خیابانی یا سگان رژیم در حالی که با یک دست خود مبارزه میکنند، دست دیگر خود را برای حفظ همان نشانه ستم و بردگی بر زن و انسان به کار می برند!

جامعه ایی که در این کارزار اخیر با وجود "فرصتهای سوخته شده" بسیاری از اساس به نقطه ایی رسیده که با در نظر گرفتن شرایط جهانی امروز، ضرورت انقلاب را عاجلتر از همیشه در دستور کار قرار داده و نسبت به جدی نگرفتن این امر و سوخته شدن این فرصتها و فرصتهای که هنوز باقی است هشدار میدهد. سرمایه داری جهانی منتظر من و شما نمی ماند و آنکه زوال آن را به جبر ماتریالیسم تاریخی حواله میدهد، همان تفکری است که هنوز پاسخی برای عدم حضور این طبقه خوش قد و قامت کارگر صنعتی خط کشی شده نیافته و خود از روند خودبخودی وقایع دنباله رویی میکند.

جامعه ایی که در آن تضادها و شکافهای درونی حکومت آنچنان حاد و علنی شده که حفظ آن با این شکل موجود با در نظر گرفتن شرایط جهانی کنونی تقریباً غیر ممکن به نظر میرسد. انفجار تضاد مردم با حکومت که از دل همین تضاد ارتجاعی بیرون آمد، حاصل تقاطع تاریخی گره گاهایی بود که در این مقطع با هم ادغام شده و روندی را موجب شد که بسیاری را شگفت زده کرده و معادلات زیادی را بر هم زد و اولویتهای جدیدی را در دو طرف معامله هم برای صف مردم و پیشروانش و هم برای جبهه ارتجاع و امپریالیسم در دستور کار قرار داد. عدم درک آن هنوز بسیاری را مانند کودکی لجباز وادار به نفی تمام آنچه که اتفاق افتاده و میافتد، میکند تا توجیه ایی برای درماندگی و عقب افتادنش از روند حوادث و قطار انقلابی باشد که سوخت خود را در این ۱۰ ماه گذشته دوباره برای انقلابی دیگر به اندازه لازم به عقیده من این بار پر کرده و در حسرت راه بری که او را به مقصد برساند، باقی مانده و به هر ریل و بانده کشیده میشود. عاشورا تجربه و سنتزی بود که مردم علناً در آن خواست خود را برای شرکت ما در این کارزار فریاد زدند. جامعه ایی که مردمش دیگر حاضر به قبول شرایط موجود نبوده و حاضر است برای تغییر آن مبارزه کند. مرحله ایی که در خود حامل پیام متضادی است که اگر ما گوش شنوایی برای آن داشته یا میداشتیم میتوانست و میتواند به آن تحولات انقلابی منجر شود که در آن کنترل منسجم و سیستماتیک برای دستگاه سرکوب دیگر میسر نیست ما به مردمی دسترسی پیدا میکنیم که سالهاست آرزو داریم با آنان نه از دریچه دخمه های اینترنتی بلکه با فشردن دست همدیگر سخن بگویم.

اتفاقات بسیاری رخ داد که در مجموع راهی را طی کرد که در آن جنبش خودبخودی مردم در این ۱۰ ماه با وجود نفوذ ارتجاعی و ضد انقلابی رهبری "سبز" دستاوردهای بزرگی را کسب کرد و خود را چند مرحله جهش وار به پیش برد. بسیاری از توهمات سبز و اصلاح درون نظامی شکسته شد و کسی برای اینان تره هم خرد نمیکند. مردم هم قادر به مقایسه دو تجربه عاشورا و ۲۲ بهمن هستند و میتوانند تفاوت حماسه سازی را با سینه زنی خاموش درک کنند. اما این به معنی مرگ اینان نیست و همانطور که میبینید پیام عاشورا را اینان بسیار دقیقتر از بورکراتهای دولتی دریافت کردند و تلاش همه جانبه تمام سران داخل و خارج این طیف ارتجاعی برای آرام کردن مردم و پتانسیل قهری که "انقلاب از آسمان نازل میکند" هم در این راستا صورت گرفته و میگردد. نظام جمهوری اسلامی و دشمنی با مردم، مخرج مشترک هر دو باند ارتجاعی حکومت هستند.

ضرورت قهر میروید که در اذهان توده ها مرزبندیهای جدیدی را بنیان گذارد و بسیاری از مردم بهایی سنگینی برای درک این ضرورت و نیاز دادند، بطوری که این فاکتور بخصوص بعد از رویدادهای عاشورا اساس تصمیم گیری سرمایه داری جهانی را در رابطه با حکومت ایران قرار داده است. تا قبل از آن مردم باعث شده بودند که دولت اوپاما و تا حدودی غرب چندین بار تصمیمات راهبردی خود را بنا به پیشروها و پسرهای مردم تغییر دهند.

عوارض بحران مالی جهانی اخیر مدتی است که دامنه رکود خود را به ساختارهای اقتصادی کشورهای عقب افتاده هم رسانده و وسعت گرفتن اعتراضات کارگری اخیر هم خود خبر از وخیمتر و حادث شدن تضادی است که عنصر پویای و پیشبرنده تمام مبارزات طبقاتی عصر ماست. این همان تضادی است که بر مبنایش نقش رهبری طبقه کارگر در انقلابات سیاسی و اجتماعی عصر سرمایه داری نتیجه شد و اعتبار خود را حفظ کرده است. درک علمی این جایگاه و نقشی که این نیروی عظیم اجتماعی در روند انقلابات سیاسی و اجتماعی ما در جوامع مختلف سرمایه داری بازی میکند در واقع بیان نقش او در رهبری کل جامعه بسوی افق کلی ماست. یعنی بیان و ترسیم نقشی که این طبقه و نیروی اجتماعی در ارتباط با بقیه طبقات و لایه ها و اقشار عموم مردم دارد یا باید داشته باشد. این رهبری در ارتباط با خود طبقه کارگر تعریف نمیشود و قرار نیست خود را رهبری کند بلکه خود این ضرورت و نیاز از وجود بخش بزرگی از توده های غیر پرولتری سخن میگوید که در جامعه موجودند، مردمند و واقعیت عینی دارند که به خاطر جایگاهی که در شیوه تولید دارند، تاریخ آنان را فاقد توانایی رهبری جامعه در عصر سرمایه داری برای گام برداشتن در راه ساختن جهانی دیگر دانسته است. بخشی از تعریف رهبری فن و هنر و علم چگونگی درست و اصولی این رابطه است.

تمام اصرار و پافشاری کسانی که در جریان تجمع پارک لاله سال قبل برای کشاندن مراسم به میان مردم و پیوند زدن آن با تضادهای انفجاری دیگر جامعه هم بر اساس همین دیگه بود و روند حوادثی که به فاصله کوتاهی در ماه بعد از مضحکه "انتخابات" بیرون آمد و نقطه عطف دیگری را در جامعه رقم زد، نیز مهر تائیدی بر همین دیگه بود که از معطوف کردن طبقه کارگر فقط به خود و خواستههای رفرمیستی درون ساختاری به کسانی هشدار میداد که در آنزمان هنوز منتظر "سیلی دیگری از تاریخ" بودند که یک ماه بعد دریافت کردند. امیدوارم که خمودگی سالها پاسویسم و گيجی سیلی آخری که تاریخ به ما زد تاکنون رفع شده و امسال ما شاهد روند دیگری باشیم.

اولین وظیفه طبقه و ما کسب قدرت سیاسی است و این انقلابی در رویناست. انقلابات اجتماعی در شرایط مشخص کشور ما در عالم واقعیات در وحله اول در گروه پیروز انقلاب سیاسی و کسب این قدرت است و این همان راهی است که طبقه باید برای آن آموزش ببیند. این افق باید خود را در تمام برنامه های طبقه تبلور دهد. چگونگی این تبلور محثی است که باید نیروهای پیشروی طبقه برای برگزاری اول ماه مه امسال با در نظر گرفته شرایط موجود و در ارتباط با فعالین داخل و وضعیت آنان مشخص کنند. ولی به هر صورت پیوند

زدن جنبش کارگری با بقیه جنبشهای موجود مردمی نه تنها پلاتفرم وسیعتری را برای خود طبقه و خواستههایش بوجود میآورد بلکه در عین حال با شرایط موجود میتواند همزمان هسته های مختلفی را تشکیل دهند که به سرعت مرکز حرکتها توده ایی مختلفی در چند نقطه مختلف شده که این از یک طرف سرکوب فوری را برای حکومت دشوار کرده و از طرف دیگر این امکان را برای طبقه کارگر فراهم میکند که نه بصورت فردی بلکه یک نیروی اجتماعی بزرگ و منسجم، این ارتباط و پیوند حیاتی را با بقیه جامعه در قدمهای کوچکتری تمرین کرده و به "اسرار طبقاتی" خود و جامعه پی ببرد. اسراری که لزوم همراه کردن بخش بزرگی از مردم ستمدیده غیر پرولتری را در راه پیروزی انقلاب و اداره جامعه فردا فاش میسازد و طبقه را با معضلاتی که باعث شکست دو تجربه بزرگ سوسیالیستی شدند، در شکل جدید خود آشنا میسازد.

مبحث سازماندهی و سازمان یابی در خود و برای خود بدون در نظر گرفتن بستر و محتوای که این اشکال در آن معنای واقعی خود را در پیدا کرده و کارکرد دارند، اساسی است که عمده‌تاً توسط دو دید ظاهراً متضاد که آیشخور مشترکی به نام درک اکونومیستی دارند، دامن زده میشود. یکی دیدگاه آشنایی است که ذاتاً کارگر را سوسیالیست و دارای آگاهی طبقاتی دانسته که باید حساب کار خود را بدون کمونیسم و حزب اش کرده و جدایی کارگران را از پیشروان واقفیشان همیشه فریاد زده اند، که مباحثات سال گذشته بیشتر حول این گروه دور میزد. گروهی که هر کلکتیوی با هر مضمون محتوای ارتجاعی ضد زن و فرهنگ عقب افتاده را تبلور آگاهی طبقاتی نام می دهد و حامیلین آنرا سوسیالیست زاده هایی میخواند که پای منبر عزای حسینی در تکیه ها و مساجد به اسرار جوامع طبقاتی پی میبرند. ولی این بار با توجه عوض شدن اوضاع و ضروریتهای و سالی که گذشت، باید نسبت به شکل دیگری از درک اکونومیستی نیزهشدار داد که فکر میکنم حاصل تضادی است که شرایط جدید آنرا حادث کرد.

از یک سو گاهی در روند فشرده تحولات اخیر، روزانه نیازها و ضروریتهای جامعه خود را در ابعاد وسیعی عوض میکرد و نیاز به پاسخگویی داشت، از سوی دیگر قدرت و تناسب فیزیکی ما در پاسخ گویی به این ضروریتهای و نیازها در همان ابعاد بوده و هست. این در کنار ضعف ابزاری و مادی که ما بعنوان اپوزیسیون معمولاً نسبت به دولتها و حکومتها داریم، برای برخی از نیروهای انقلابی عقده‌ای تاریخی را پرورش میدهد که برای جبران آن دوباره با همان سلاح و قواعد به مبارزه میپردازند. کمیت و گسترش سازماندهی و سازمان یابی خود تبدیل به هدف شده و طبیعتاً اهداف و سمت و سوها خودبخود بر این مینا برنامه ریزی میشود. اینکه این ابزار چه هستند و چه شکلی دارند در اینجا نقش زیادی بازی نمیکند و بیشتر اساس سر و ته شده اینان مهم است. بدون روشن کردن افقها و بستری که این سازماندهی و سازمان یابیها در آن ماهیت واقعی خود را پیدا میکنند، این درکی وارانها و دنباله روانه از روند سیر حوادث خواهد بود که میتواند بسیار چپ و رادیکال بسته بندی شده باشد، ولی خود باز جلوه ایی از ساختارهای فکری اکونومیستی است.

باید هوشیار بود و طبقه کارگر را بعنوان یکی از بزرگترین نیروهای اجتماعی جامعه که تولیدکنندگان ثروتهای اجتماعی هستند، در ابعادی وسیعتری ارزیابی کنیم. بعنوان نیروی کار سیال اجتماعی که در واقع سیالیت سرمایه او را بخصوص در چندین دهه گذشته به لایه های مختلفی تبدیل کرده که در روند کلی انباشت سرمایه و تقسیم کاری که با سیالیت سرمایه پیوند خورده است، در روابط پیچیده و بیگانه شده در هر گوشه جهان در ساختارهایی ناموزون و متفاوت نقشی را در روند انباشت سرمایه بازی میکنند. منافع طبقه بعنوان یک نیروی اجتماعی باید در وحله اول تبلور واقعی کلیت طبقه در هر یک از این تقسیم بندیها باشد و نه بخش مشخصی که در ذهن برخی هنوز استانداردهای کلیشه ای و انتزاعی خاصی را پدک میکشد. باید دنبال این نیروی کاری که ارزش میافزیند و بخش بزرگی از انباشت سرمایه هم محصول نیروی کار آنانست را نزد ما در جاهایی بجومیم که تصور هم نمیشود. در زاغه ها و حواشی شهرها ایکه خود با عقب افتاده ترین مناسبات روستایی و شرعی در غالب تمام قوانین حاکمه اداره میشوند، در کار خانگی، بر سر دارهای قالی بافی و کار کودکان و زنانی که در هیچ آمار و ارقامی جای ندارند چراکه چکش در دست ندارند، در کارگاه های مشقت باری که بهره کشی و روز کار کارگر با زندگی شبانه روز آن در همان کارگاه ها و کانتینرها معین میشود، نزد نیروی کار کارگر افغانی که در کوره پزیها برای هیچ لگدمال میشود، در کمرهای خمیده و دستان ترک زده کارگرانی که قسمت زیادی از نیازهای داخلی را تولید کرده تا کارگر نفت و گاز تنها کالای نیمه تمام صنعتی ما را در کنار صنعت ورشکسته مونتاژ اتوموبیل سازی به بازار جهانی عرضه کند. در فروشندهای نیروی کار روستا زاده ایی که فصلی جذب بازار کار میشود، در نیروی کار بخشهای خدماتی گوناگونی که در روند تولید بطور مستقیم شرکت ندارند.... این شیوه محدود اکونومیستی گاهی بیش از ۱۲ میلیون حاشیه نشین ایرانی را که بخش بزرگی از نیروی کار جامعه را تشکیل داده و یا بخش بزرگی که در خدمت تولید کنندگان کوچک و متوسط استثمار میشوند ولی قدرت رقابت با باآوری سرمایه بزرگ، قدرت افزایش آفرینی کمتری دارند، یا بخش دیگری را که در مجموعه های عقب افتاده که بیشتر به مانوفاکتورهای زیر زمینی با بدترین و ارتجاعی ترین روابط و مناسبات برده داری شباهت دارند تا کارخانه یا کارگاه، یا فرآیند مستقیم و غیر مستقیم ادغام کار و نیروی کار زنانی که به بهانه عدم "ارزش آفرینی" از حیطه عالم واقعیت حذف میشود و سنگسارش میکنند... با کارگران سندیکای اتوبوس رانی لندن عوضی گرفته و در خیال خود و با اتکا به این توهمات، تافته جدا بافته ایی در جامعه ایران به نام طبقه کارگر میسازد که با پرچمهای سرخ داس و چکش بدور از هیاهوی ارتجاعی غیر پرولتری انقلاب سوسیالیستی را فریاد میزند!

فکر میکنم بهترین بستر برای تجسم این اندیشه محدود وضعیت کارگران عسلیوبه بعنوان آن لایه کارگر صنعتی باشد که میتواند معیار شناخت این عده از طبقه کارگر در ایران باشد. آیا این دوستان از وضعیت این کارگران باخبرند؟ اینکه این نیروی کار چه کسانی هستند و با چه تناسبی ارزش آفرینی میکنند؟ اینکه بیش از ۸۰ درصد این ارزش توسط کارگران فصلی تولید میشود که اکثراً از مناطق ورشکسته و عقب افتاده به امید سیر کردن شکم خود و خانواده در این اردوگاه کار بیگاری میکنند؟ اینکه همین کارگر صنعتی این دوستان در فصل بیگاری در کجا و چگونه و با چه روابطی دوباره در ساختارها قرار میگیرد و این چه تاثیر مادی و ذهنی بر جامعه و خود کارگر دارد تا فصل دیگری که شناس به اردگاه کار فرستاده شدن به او داده شود؟ اینکه بر همین مجتمع صنعتی و مظهر دنیای بهتر سوسیالیستی برخی چه روابط و مناسباتی حاکم بوده و با چه ساختارهای عقب افتاده ذهنی و روابط پوسیده ارتجاعی در تولید شرکت میکنند؟ اینکه این تضاد "کار و سرمایه" در عصر امپریالیسم و سرمایه داری جهانی در کشورهای ستمدیده با چه شکل و رونیایی سیاسی و دولتی پوشش داده می شود و این رونی در ادغام با قوانین و موارد دینی و مذهبی چه تاثیراتی میتواند بر ساختارهای زیر بنایی و تولیدی بگذارند؟

البته از آنجاکه انکار این عقب افتادگیهای ساختاری و مناسباتی و ندیدن تفاوت کیفی این دو شکل از "تضاد کار و سرمایه" در کشورهای "جهان سومی" و غولهای صنعتی امپریالیستی ساده نیست، ناچاراً کارگر افغانی و ایرانی نیز با باید خواستههای مرحله خود را با خواستههای کارگر اروپایی و آمریکایی تنظیم کرده و چشم به واقعیت خود و جایگاه تاریخی مشخصی که ایستاده و طبیعتاً نیازها و ضروریتهایش را در عصر سرمایه داری جهانی و تقسیم کارش مشخص و معین میکند، بسته و فعلاً خواب پیشرفتگی و مدرنیت ببیند تا مثلاً فریاد این ضروریتهای که برگرفته از واقعتهای جامعه اش است، با درک آریستوکراتهای کارگری ملل ستمگر که سندیکایش خود بخشی از دستگاه سرمایه داری جهانی است و "لولا" را حسابدار صندوق پولی اش میکند، مخدوش نشود. یکی به نام انقلاب سوسیالیستی کارگران را تا فراهم شدن شرایط این انقلاب منزوی و خانه نشین میکند، آن یکی حاضر نیست یک قدم هم از انقلاب

کمونیستی بین الملل عقب کشیده و این انتظار را به آینده بسیار دورتری محول میکند.

دین و مذهب یک شیوه تفکر ارتجاعی است که بیش از سه دهه در ایران شکل حکومتی دارد و تمام دولتهای آمده و رفته جامعه " مدرن صنعتی " سرمایه داری خیالی برخی هم که پایه های آن را بازیگران " سناریوی سفید " برای آنان بر زمین کشورهای عقب افتاده کوبیده است، در چهار چوبهای طالبانی همین حکومت منافع طبقات حاکم را نمایندگی کرده اند. تضاد حکومتی که جرقه زنده روند حوادث اخیر بود خود گواهی بر این امر و به ستوه آمدن لایه های دیگر سرمایه برای فرار از این محدودیتهای قرون وسطی است که وادارشان کرده سالها لیبرالیسم بورژوازی خود را تقیه کنند!

همانطور که گفته شد عوارض بحران اخیر جهانی بستری را در این شرایط مهیا کرده که اینک با صدای ناخراشتری از هر زمان دیگر زنگ در خانه هر ایرانی را زده و نوید دور عمیقتری از مبارزات را میدهد. کارگران اولین قربانی این روندی است که آغاز شده و وخیمتر هم خواهد شد. در ایران حقوقهای پرداخته نشده ماه ها کار که اینک به ابعاد سالی رسیده است غوغا میکند و سیل کارگران اخراجی که اکثراً مسئول نان آوری چندین نفر هستند، جمعیت بیشتری را به دایره مبارزه برای بقا کشانده که ما تاثیرات آن را علاوه بر اینکه در خود کارگران و طبقه میبینیم بلکه تدوام این تاثیرات خود انگیزه بسیاری از دختران و پسران جوان و دلاوری است که از دل این خانوادهای کارگری برخاسته و کار پدر هنوز جهت دهنده روند زندگی آنان بوده و در جنبشهای مختلف نیروی پیش برنده آنانند. مجتمعات استثماری " وطنی " یکی پس از دیگری ورشکسته شده و صنایع بزرگ نفت و گاز و پتروشیمی که در انحصار نظامیان و بورکراتها اداره میشوند چنان تقلیل رفته که با نگاهی به مجتمع عسلویه و آمار کمی و کیفی آن میتوانیم این پروسه را بهتر درک کرد. این مثلاً بخشی از کارگران هستند که معمولاً از امنیت کاری ثابتی برخوردار هستند. این دولت چه با یارانه چه بی یارانه قادر به پاسخگویی این اوضاع نیست. اعتراضات کارگری گسترش بیشتری خواهند یافت و دامنه آن به برخوردهای خواهد کشید که تشکلات قانونی طبقه در چهار چوبهای نظامات دولتی هرگز توان پاسخگویی به آن را ندارند. این تناقضی است که بدون ستاد فرماندهی انقلابات سیاسی و اجتماعی کارگران این تشکلات را که برای بقای خود باید در چهارچوبهای دولتی حرکت کنند، تبدیل به زانده هایی میکنند که دولت و طبقات حاکم بنا به شرایط از آنان استفاده ابزاری کرده و هرگاه که لازم دید سرکوبشان میکند.

امسال ما بستری داریم که روند حوادث خود انگیزه مردم با پتانسیلی که در این مدت آزاد کرد در کنار بریدگی از ابهامان " اصلاحی " و حکومتی، نگاه های بسیاری را متوجه ما میکند. نگاهی که بعد از ۳۱ سال با بعد عمیقتری به شعارها و برنامه های ما نظر انداخته و این فرصت دیگری را برای ما فراهم میکند که الترناتیو های خود را در برابر " آنچه که هست " قرار داده و لزوم یک رهبری انقلابی را که لازمه هر تغییر بنیادی است، برای آنان در عمل توضیح دهیم. جسارت و شهادت انقلابی با " ماجراجویی " تفاوت میکند و ما نمیتوانیم این انتظار را فقط از توده های ستم دیده و زحمتکش داشته باشیم که در کوچه و خیابان فداکاری و ساختار شکنی کند ولی خود بیانیه های آن را برای گرفتن اجازه برگزاری قانونی روز جهانی کارگر از زیر سانسور وزارت اطلاعات بگذرانیم!

اطلاعیه اتحاد بین المللی در مورد اظهارات علیرضا محبوب در مورد اول ماه مه

علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران و نماینده مجلس اسلامی در تازه ترین اظهار نظر در مورد اول ماه مه گفته اند که " روز جهانی کارگر فرصت مناسبی است تا کارگران سراسر جهان با یکدیگر متحد شده و خواسته های خود را یک صدا پیگیری کنند " (اپلنا ۳۱ فروردین)

آقای محبوب فراموش کرده اضافه کند که صاحب این سخن علیرضا محبوب:

دبیر کل خانه کارگری است که محور برنامه آن در " هفته کارگر " تجدید میثاق با آرمانهای خمینی با حضور در مرقد او و دیدار با آیت الله خامنه ای در زمانی است که منصور اسالو، مددی، علی نجاتی و دهها فعال کارگری و صدها فعال دانشجویی، حقوق زن و انسان در زندانهای آیت الله خامنه ای زیر شکنجه هستند.

دبیر کل تشکیلاتی است که شوراهای اسلامی و انجمن های اسلامی شامل آن یکی از عوامل اصلی سرکوب فعالین و جنبش کارگری در سی ساله اخیر است.

دبیر تشکیلاتی است که عوامل و اوباشان آن زبان منصور اسالو، دبیرسندیکای شرکت واحد و منتخب مجمع عمومی کارکنان شرکت واحد، را بریدند.

دبیر تشکیلاتی است که در سایه ارباب، اخراج و تحمیل زندان به منتخبین مجمع عمومی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، شوراهای اسلامی را با آرزوی خلاص شدن از " شر " سندیکای هفت تپه تشکیل داده اند.

عضو مجلس اسلامی است که سی سال است زندگی را بر کارگران ایران تباه کرده، بخش اعظم کارگران ایران را از شمول قانون کار خارج و فقر مطلق را با سیاست های اقتصادی سرمایه دارانه خویش به کارگران ایران تحمیل کرده اند.

آقای محبوب یکی از کنشگران اصلی نظام ضد کارگری جمهوری اسلامی در سالهای حیات جمهوری اسلامی است.

خوشبختانه به یمن سالها حمایت و همبستگی بین المللی با کارگران ایران بسیاری از فعالین و تشکلهای کارگری، اتحادیه ها و

جمهوری شورایی تنها شکل حکومت کارگری است

گزیده هایی از اعلامیه میر (MIR) شیلی در خصوص زمین لرزه ۲۷ فوریه

ترجمه به انگلیسی: ایرل گیلمن

ترجمه به فارسی: م. مینایی

گرچه در این شرایط بیش از هر چیز فعالیتهای محسوس و قاطع - هرچند ناچیز - در رابطه با خانواده های آسیب دیده از زلزله، مورد نیاز است، در عین حال می خواهیم نکات زیر را خاطرنشان کنیم:

۱- پلها و بزرگراههای قدیمی دولت ساز در برابر زلزله مقاومت کردند، اما شاهراههای جدید ساخته شده در پایتخت نه! شاهراههایی که دولت ائتلافی آنها را به بخش خصوصی واگذار کرد و با بوق و کرنا به عنوان سرمایه گذاری مشترک بخش خصوصی و دولتی تبلیغ شد در برابر فعالیتهای زلزله مقاومت نشان ندادند و نابود شدند.

علیرغم میلیونها سوبسید دولتی، علیرغم قراردادهای، علیرغم دریافت روزانه عوارض از کاربران، همه پلها، پیاده روها فروریختند و موجب مرگ و زخمی شدن عده زیادی از مردم گردیدند...

۲- دموکراسی مسیحی، چنان افتضاح عظیمی در رابطه با ساخت خانه های ارزان قیمت بجا گذاشت که ائتلاف مجبور به خصوصی کردن روند ساخت خانه های ارزان قیمت شد. حال با وقوع زلزله مردم دل نگرانند زیرا به استحکام خانه های خود اطمینان ندارند... کل مجموعه های ساختمانی محل اسکان طبقات متوسط در آستانه فرو ریختن اند همچنانکه ساختمان پانزده طبقه در کانسپسیون موجب مرگ بیش از یکصد نفر از ساکنان اش شد که در داخل آن گیر افتاده بودند. سرمایه داران فعال در بخش مسکن، هدف ساختمان سازی نیست بلکه تجمیع سرمایه است، که مفهوم آن کاهش کیفیت ساختمان، کاهش کیفیت مصالح، دادن گزارشات نادرست و رشوه دادن به مامورین اداره مالیات است.

۳- نهادهای دولتی ضعیف و کند عمل کرده اند.

واحد خدمات هیدرو-گرافیک نیروهای مسلح، مرتکب قصور جنایتکارانه ای به خاطر عدم تفسیر صحیح از ابزارها و نقشه های خود در قبال خطر توفان، شده اند. همین امر موجب تاخیر ۲۴ ساعته در اعلام وضعیت اضطراری شده است. در نتیجه عدم هماهنگی بین دولت مرکزی و نهادهای حکومتی، بخش اعظم کشور بدون آب و برق و غذا و... عملاً در انزوا قرار گرفت. علیرغم وجود منابع مالی، کمکها بدست مردم آسیب دیده نرسیدند.

۴- در منطقه بیویو، یکی از فقیرترین مناطق کشور، جایی که نرخ بیکاری اش ۴/۱۰ درصد و اکثریت کسانی که شغلی دست و پا کرده اند به روز مزدی اشتغال دارند و فاقد شغل ثابت می باشند، اثری از آب آشامیدنی، برق و غذا نیست. احتکار کنندگان با سوء استفاده از درماندگی مردم هر کیلو گوشت را ۲۵۰۰ پزو (حدوداً ۷ دلار) و هر لیتر آب را ۱۰۰۰ پزو (تقریباً ۲ دلار) می فروشند. مردم با شکستن حفاظ و کرکره های سوپرمارکت ها کالاهای مورد نیاز برای بقای خود را بدست می آورند... جنبش را زنان شروع کردند، امری که اغلب در تاریخ برای تامین غذای کودکان و خانواده از سوی زنان انجام گرفته است. گرچه عده ای از عناصر جنایتکار به غارت اموال عمومی دست زده اند اما عامل اصلی مسئله نرسیدن کمک ها است. زنان و مردم نیازمند کاری به کار مغازه های کوچک و خرده پا نداشتند و به سراغ مراکز عمده و بزرگ می رفتند.

۵- مردم اقدام به عمل مستقیم برای رفع نیازهای حیاتی شان می کنند.

شهردار کانسپسیون از ارتش کمک نظامی خواست. مدیران سوپرمارکت ها شخصاً به کاخ ریاست جمهوری رفتند. دولت هم خدا خواسته اعلام وضعیت اضطراری کرد. اعلام وضع اضطراری به دولت امکان می دهد بدون نیاز به تصویب کنگره، اصول قانون اساسی در حمایت از مردم و حقوق اساسی مردم را به حالت تعلیق درآورد. وزیر دفاع خبر از بسیج ۱۰۰۰۰ نیروی نظامی داد. به این ترتیب، دولت باسلت، سرکوبگرترین دولت ائتلافی شد. این دولت نه تنها راه را برای بازگشت عناصر راست افراطی به دولت هموار کرد بلکه ایالت های بیویو و مائوله را تحت سلطه نظامیان در آورد و برای نخستین بار از زمان حاکمیت دموکراسی اقدام به اعلام حکومت نظامی از ساعت ۹ شب الی ۶ صبح در آن مناطق کرد.

ما در جنبش چپ انقلابی (MIR) کاملاً با ضرورت، مشروعیت و حقانیت جنبش مردم در باز کردن درب سوپرمارکتها و مراکز توزیع کالا و پخش کالاهای مورد نیاز مردم به نیازمندان موافقیم. هرچا اعضای ما حضور داشته باشند، فعالانه در صف این جنبش عمومی قرار خواهند گرفت.

به دلیل عدم حمایت دولت بورژوازی از مردم،

مردم به خیابان ها بریزید!

غارت غارتگران حق مردم است!

انقلابیون در صف مقدم مصادره و توزیع آب، غذا و لباس بین مردم!

مردم با مبارزه به پیش!

MOVIMIENTO DE IZQUIERDA REVOLUCIONARIA MIR de Chile

۲۸ فوریه ۲۰۱۰

یادداشتی از رفیق بهروز نوایی

در دوازده مارس دیوید جی. پلانت در سایت انگلیسی زبان کارگران کمونیست ایران بابت این گزارش رفیق ارل از شیلی نوشته بود: خوبه بدوینیم سازمان میر هنوز هم وجود داره تا چنین چیزهایی رو افشا کنه. اون زمان که آئنده رئیس جمهور بود این میر ها پیشروان سازمان دهی محله ای و دیگر اعمال برای تشدید و رادیکال تر کردن خط سالوادور آئنده بودند، با این که نه فقط از طریق سازمان های ارتباطی (تلفن و تلگراف) بلکه خوب مسلمنه، از طریق نظامی ها سیا (ی آمریکا) هرگز نگذاشت که فرصتی پیش بیاد....

روز ۱۵ مارس من، بهروز نوایی نوشته بودم:

از رفیق آمریکایی/آمریکای لاتینی ارل گیلمن راجع به رابطه ی نئو لیبرالیسم (یعنی خصوصی کردن وظائف ملی و دولتی و این حرفها) و کیفیت پائین تر ساختمان سازی سولالاتی پشت تلفن کردم و ایشان برایم یادداشت ذیل را فرستاد. چرا کنجکاو بودم؟ از یک طرف یادم هست چند سال پیش زمین لرزه ای در پاکستان رخ داده بود که خیلی از ساختمان های تازه تر فرو ریخته بودند در حالی که قدیمی تر ها طاقت آورده بودند. بعدش خوب طبیعتاً مردم و دولت و غیره تحقیق میکنند ببینند آن "شرکت" هایی بساز، بفروش کرده بودند مال که هستند تا خوب به خاطر کارشون تحت تعقیب قرارشون بدهند. یک دونه از آن "شرکتها" را نیافتند چون همه شون یا آدرس قلابی داشتند و یا... فرار کرده بودند. خوب معلومه که برای پول زیادتر در آوردن، یعنی ساختمان ساختن با هزینه کمتر از کارگر کمتر و مواد اولیه با کیفیت پائین تر استفاده میشه. اینگونه عملکرد فقط هم تو ساختمان سازی نیست. یادتونه تو چین برای اینکه آب را با شیر قاطی کنند، ولی برای اینکه وقتی تست میکنند به نظر به قدر کافی مواد غذایی داشته باشد، توش ملامین میریختند و مردم را مسموم کرده و بچه ها را به کشتن میدادند. ولی سود چند تا انسان بی وجدان - چند تا سرمایه دار بی شرف، زندگی همه ی انسان ها رو به نابودی میکشونه. تو همین فکرها بودم که یک دفعه تو اخبار ایران چشمم خورد به خبر فرو ریختن یک تونل افتتاح نشده!

بله. یک تونل سی میلیارد تومانی (یعنی پروژه ی ۳۰ میلیون دلاری) بزرگراه پردیس کاملاً فرو ریخت. دولت هم گفته که پول را از پیمانکار ها پس میگردد! بگیرند یا نگیرند. فساد یعنی همین. یارو یا بی وجدان و حیوان صفت هستش و یا... نتیجه اش به هرز رفتن ثروت مردم، مالیات هاشون و، امنیت زندگی شون هستش. این خبر رو که برای رفیق گیلمن فرستادم، یک جواب کوتاه فرستاد که فقط اشاره اش به یکی دو تا نکته ی اساسی، یعنی ستون های بتونی خالی از دکل فلزی در بطن اون و لایه، لایه آجرهایی که لیه های یکدیگر رو نمی پوشانند یک دنیا مطالب رو برام روشن کرد و، زنگی هم در سرم زد که اگر انقلاب نشه مملکت مون، و کل دنیا، به ته چاه بدبختی سقوط میکنه. یک انقلاب سیاسی که خوب دیر یا زود میشه، یعنی رژیم اسلامی میره ولی، تا حکومت مردم بر مردم، دمکراسی مستقیم مردم، گردوندن کارخانه و اجتماع و محله و ناحیه به دست خود مردم مسئول - مسئول زندگی خودشون - پیش نیاد، تا حزب طبقه ی کارگر تشکیل ندیم، آینده ی ایران بدبختی و فلاکت و بس.

ببینیم چه مکالمه ای با رفیق ارل گیلمن داشتم:

اگر چه اکثر اوقاتی که (در رابطه با این مطالب) با این دوست (که خدماتش به گروه مان حقیقتاً قابل تقدیر هستش) بحث میکنم اون شروع میکنه راجع به این صحبت میکنه که این که چگونه این اوضاع جدید کنتراکت تو کنتراکت بستن و اینگونه تغییرات کاری چگونه به طبقه ی کارگر صدمه میزنه اما، پرسش های من بابت این چیزهای نیو لیبرالی بیشتر در باب اینه که با این تغییرات چه بر سر همه، از جمله مشتریان کالاها و تولیدات دوران نوین می آید و امنیت و سلامت همه، از جمله مشتریان تحت بازار آزاد در چه وضعی قرار میگیره، نه این که فقط سرنوشت پرولتاریا چه هستش و سر کارگران چی می آید. این هم خلاصه ی سخنان رفیق ارل گیلمن؛ ایشون میگه: "به میلگرد در ساختمان سازی میگویند "ریبار"ها. بتون ارزون هستش و در قیاسش تیر فلزی (فولادی؟) نسبتاً گران قیمت هستند. زمین لرزه که شد، دو جور ساختمان ها فرو ریختند:

۱ - ساختمان هایی که به هر رو در آستانه ی فرو ریختن بودند... اون ها آخرهای سده ی ۱۹ میلادی، یعنی صد و بیست، سی سال پیش ساخته شده بودند.

۲ - ساختمان ها و بزرگراه های نسبتاً جدید که نتیجه ی آخرین توسعه ساختمانی بین المللی - یعنی موج نوین بساز، بفروش هستند. طبیعت بساز بفروش در این هست که محتکرین و زمین خواران رو به خودش جذب میکند. وسائل ساختمان سازی رو میشود اجاره کرد پس تنها چیزی که طرف لازم دارد یک قطعه زمین است.

یک ساختمان یا بزرگ راه که خوب ساخته شده کلاً نمای همون ساختمان یا بزرگراه رو داره که تیر آهن توش به کار نبرده بودند. زلزله ای که در ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۵ در مکزیک رخ داد عمدتاً ساختمان های جدید رو خراب کرد. اون وقت ساختمان قدیمی اسپانیایی که چند صد سال قدیمی هستش سالم ماندند. اگرچه اسپانیایی ها تیر آهن نداشتند اما کلفتی دیوارهای اکثر ساختمان های قدیمی اسپانیایی چندین فوت - یعنی چندین واحد ۱۲ ضرب در ۲.۵ سانتیمتر = ۳۰ سانتیمتر - هستش!

زمین لرزه ی بزرگ اخیر چین، مورخ ۱۲ مه ۲۰۰۸ به مرگ حدود ۱۰ هزار دانش آموز در مدارس که فرو ریختند منجر شد. چین حسابی در یک جریان بساز، بفروشی درگیر بوده و دولت کنتراکت رو به اون مقاطعه کاری میبخشه که کمترین بها برای هر پروژه ای رو - یعنی مثلاً بهترین قیمت پائین رو ارائه میدهند. خوب طبیعتاً کمترین بها رو اون کنتراکتری میخواهد که از ارزون ترین ابزار و آلات و مواد اولیه ی ساختمانی استفاده میکنه.

«بسوی انقلاب»

را بخوانید و در میان

مردم پخش کنید!

«بسوی انقلاب» هفته نامه سیاسی -

تبلیغاتی کارگران کمونیست

maktabema@maktabema.net

http://www.maktabemarx.net

تماس با ما:

آدرس اینترنتی:

عناوین و برنامه های پیشنهادی ایام هفته کارگر سال ۸۹ توسط کارگران ایران

منبع: جمعی از کارگران ایران خودرو

ردیف ایام هفته کارگر برنامه اصلی برنامه-های جنبی سازمان اصلی مجری سازمانهای حمایت کننده و پشتیبان کشورها

- ۱ شنبه ۸۹/۲/۴ کارگران تشکلهای آزادی بیان اعتراض علیه سرکوبها اعتراض علیه عدم اجازه فعالیت تشکلهای خواهان آزادی بیان خواهان آزادی تشکلهای آزاد کارگری کارگران تمام آزادیخواهان جهان دیدار با نهاد های کارگری اعتراض به سازمانهای حقوق بشر اولین روز هفته کارگر
- ۲ یکشنبه ۸۹/۲/۵ روز کارگران وجانبانخانه راه آزادی حضور در خاوران وبهشت زهرا تحلیل از جانبختگان راه آزادی اعتراض به کشتار ها خواهان شناسائی ومجازات عوامل کشتار واعدام ها کارگران تما م آزادیخواهان برگزارى مراسم در کشورهای مختلف دومین روز هفته کارگر
- ۳ دوشنبه ۸۹/۲/۶ روز زنان کارگر همبستگی با مبارزات زنان وبخصوص زنان کارگر خواهان پایان به تبعض جنسیتی وآپارتاید علیه زنان وایجاد شرایط مساوی کار برای زنان کارگر کارگران تمام آزادیخواهان برگزارى مراسم در کشورهای مختلف سومین روز هفته کارگر
- ۴ سه شنبه ۸۹/۲/۷ روز کارگران وبازنشستگان اعتراض به شرایط سخت زندگی بازنشستگان وکمی دسمزدها خواهان شرایط بهتر برای بازنشستگان وافزایش حقوق این قشر همزمان با تورم کارگران تما م آزادیخواهان برگزارى مراسم در کشورهای مختلف چهارمین روز هفته کارگر
- ۵ چهارشنبه ۸۹/۲/۸ روز کارگران زندانی دیدار کارگران با خانواده زندانیان اعتراض به زندانی بودن کارگران وسرکوبها وخواهان آزادی فوری تمام زندانیان بخصوص اسانلو ومددی و... تشکلهای کارگری سراسر دنیا تما م آزادیخواهان دیدار نمایندگان کارگران با سازمانهای حقوق بشر وسازمانهای کارگری پنجمین روز هفته کارگر
- ۶ پنجشنبه ۸۹/۲/۹ روز کارگران جوان و پیمانی وکارگران بیکار اعتراض علیه بیکاری و قراردادی موقت وروزمزدی خواهان پایان دادن به قراردادهای موقت وبر چیده شدن شرکتهای پیمانکاری تشکلهای کارگری سراسر دنیا تما م آزادیخواهان برگزارى مراسم در کشورهای مختلف ششمین روز هفته کارگر
- ۷ جمعه ۸۹/۲/۱۰ روز کارگران و خانواده حضور کارگران سراسر کشور درمراسم های کارگری دور هم جمع شدن و گرمی داشت روز کارگر کارگران تما م آزادیخواهان برگزارى مراسم در کشورهای مختلف هفت مین روز هفته کارگر
- ۸ شنبه ۸۹/۲/۱۱ روز جهانی کارگر روز اتحاد وهمبستگی گرمی داشت روز جهانی کارگر تعطیلی مراکز کارگری اعتراض علیه جهان سرمایه داری اعتراض علیه پایین بودن دستمزدها وبالا بودن تورم وگرانی واعلام همبستگی جهانی با کارگران سراسر دنیا کارگران تما م آزادیخواهان برگزارى مراسم در کشورهای مختلف ۱۱ اردیبهشت روز اول ماه می روزجهانی کارگر برنامه-های ویژه-ای که در طی هفته کارگر برگزار می-شود:
 - ۱- اعتراض علیه پایین بودن دستمزدها وبالا بودن تورم وگرانی
 - ۲- اعتراض علیه بیکاری و مشکلات بیمه-ای کارگران و بازنشستگان.
 - ۳- تجلیل از زندانیان سیاسی بخصوص کارگران زندانی واسانلوو مددی و
 - ۴- پخش گزارشهای ویژه کارگری توسط رادیو تلویزیونهای وسایتهای کارگری.
 - ۵- گرمی داشت یاد کارگران جان باخته راه آزادی وحوادث و ایمنی
 - ۶- تجلیل از خانواده جانبختگان راه آزادی
 - ۷- برگزاری مسابقات ورزشی در محیط های کارگری.

روز جهانی کارگران خجسته و پیروز باد

خواستهای اصلی کارگران ایران خودرو:

- در روز جهانی کارگر
- دوستان وهمکاران گرمی
- آزادی بیان آزادی تشکل حق مسلم ما کارگران است
- سرکوب و هرگونه اختناق را محکوم کرده وخواهان پایان دادن به شرایط پلیسی حاکم بر کشور هستیم
- ما کارگران
- آزادی اجتماعات وبرگزاری مراسم روز کارگر بدون مجوز و بدون نیروهای
- انتظامی و بدون دخالت دولت حق مسلم خود می دانیم
- ما کارگران خواهان**
- ۱-حق ایجاد تشکل بدون دخالت دولت و نیروهای ضد کارگری
- ۲-حق اعتصاب واجتماع و حق آزادی بیان
- ۳-آزادی بدون قید وشرط فوری تمامی فعالین کارگری وزندانیان سیاسی
- ۴-تامین امنیت شغلی و بیمه بیکاری برای همه
- ۵-تامین مسکن و بیمه های اجتماعی برای همه

کارگران جهان متحد شوید!

این مطلب سال گذشته بعنوان یادداشت سردبیر در سایت سلام دمکرات منتشر شده بود. لازم دیدیم که جهت یادآوری آن را منتشر کنیم.

پاندول صفت

رامین رحیمی

منبع: سلام دمکرات

اخیراً عده ای با امضا و انتشار بیانیه "اعلام موجودیت و فراخوان کمیته ی دفاع از کارگران هفت تپه" همسویی خود را در سیاست های کارگری اعلام داشتند. شاید کسانی که با جزئیات دسته بندی های سیاسی در داخل کشور آشنایی کامل ندارند، این اقدام را فرخنده شماره و قدمی مثبت برای منافع طبقه کارگر ارزیابی کنند. و برای آنانی که با دسته بندی ها آشنایی دارند، اما هنوز در مورد ماهیت اپورتونیستی برخی از امضا کنندگان این فراخوان دچار توهم اند، باعث تعجب باشد. اینان از خود سوال خواهند کرد که: چطور شده است عده ای که تا همین دو سه هفته ی پیش، در سمینارهای پالتاکی و نوشته های خود با وابستگان داخلی "سالیداریتی سنتر" خط و نشان می کشیدند، اینک در کنار همین افراد به "کمیته دفاع از کارگران هفت تپه" موجودیت بخشیده و دیگران را نیز به پیوستن به چنین ائتلافی فرا می خوانند؟ اما واقعیت اینست که چنین اتفاقی نه تعجبی دارد و نه وقت سرور است!

در زمانیکه عده ای از "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد..." با آب و تاب فراوان به "افشاگری" (!) اعضای "کانون مدافعان حقوق کارگر" پرداخته بودند، در مقاله "رفرمیسم به خود می پیچد" نوشتیم: "تمامی فعالان کارگری شاهد دور جدید رویارویی دو جریان فکری در این جنبش بوده اند. اما خیالیافی است اگر فکر کنیم که حاد شدن این رویارویی به علت پیشروی دیدگاه کمونیست های انقلابی بوده است. خیر! چنین نیست. هر چند که طرف باصطلاح "رادیکال" در حملات خود از همان مواضع افشاگریانه ای که جریان انقلابی علیه رفرمیست ها پیش گرفته بود، یعنی، وابستگی آن به جناح های مختلف سرمایه جهانی و بومی، استفاده کرده باشد. اما، واقعیت آنست که دو جریان سیاسی ای که امروز بر سر تقسیم غنائم به جان یکدیگر افتاده اند و برای هم خط و نشان می کشند، تا دیروز، در هماهنگی کامل، "کمیسیون هفت تپه" را تشکیل داده بودند تا بتوانند در مقابله با جریان انقلابی، مبارزات کارگران این شرکت را به کانال های قابل کنترل خود جهت داده و از ایشان بمانده سکوی پرش برای دستیابی به منافع گروهی شان استفاده ببرند." [۱] ائتلاف امروز ایشان اثبات صحت همین گفته هاست. این ائتلاف نشان می دهد که جریان اپورتونیست موجود در "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد..." دارای هیچ اصول ثابتی نیست. زمانیکه منافع گروهی اش ایجاب می کرد تا مهر خود بر روی "سندیکا هفت تپه" بزند، "کانون مدافعان..." و اعضای آن را "سکه ی یک پول" کرد و در مقابل عده ای گمراه و متوهم که به دنبالش راه افتاده اند، قیافه ی "انقلابی" (!) گرفت. اما، در موقعیتی متفاوت، دوباره همان "کمیسیون (افشا شده ی) هفت تپه" را، با همان عناصر گذشته، و با نام جدید "کمیته ی دفاع از کارگران هفت تپه" احیا نمود.

البته نباید به ایشان خرده گرفت. اپورتونیسم "پاندول صفت" بوده و همواره میان کمونیسم و رفرمیسم در حال نوسان است. هنگامیکه خط مش کمونیستی در جامعه حضور قدرتمندی نشان دهد، اپورتونیسم نیز برای حفظ ظاهر و تحمیق نیروهای

انقلابی متوهم موجود در حاشیه اش، به چپ چرخیده و مثلاً در نوشته هایش می نویسد: " پس اگر بورژوازی در دفاع از منافع خود این چنین با جنبش کارگری و فعالین این جنبش بر خوردی سر کوب گرانه دارد، باید مدافعین این جنبش و دلسوزان و حامیان آن، که باور به مبارزه طبقاتی و حاکمیت شورائی کارگری دارند، با دیدی واقعی و عینی و بر اساس موجودیت سطح مبارزه این طبقه، دست به قلم برده و با تجزیه و تحلیل عینی از آنچه که جریان دارد رو به جنبش مباحث خود را مطرح کنند و از بر خورد اخلاقی و گاهاً سود نگرانه و غیر طبقاتی به دور باشند." [۲]. اما آن زمان که منافعش چرخش به راست را ایجاب کند، "برخورد اخلاقی و گاهاً سود نگرانه و غیر طبقاتی" را به خود بخشیده و در کنار رفرمیسم قرار می گیرد.

هدف ما و روی سخن ما، در اینجا، با رفرمیست ها و اپورتونیست ها نیست. رفرمیست ها بر مبنای منافع طبقاتی بورژوازی و انگیزه های گرفتن امتیازات و اعتبارات شخصی عمل کرده و همواره سعی می کنند تا با ایجاد ائتلاف ها و کانون ها و کمیته های متنوع، قلاب خود را بر پیکر جنبش های اجتماعی فرو برده و ایشان را به حمایت از یک جناح از بورژوازی بکشانند. مثلاً انگیزه ی فردی چون فریبرز رئیس دانا و امثالهم کاملاً روشن است. او که در انتخابات ریاست جمهوری گذشته همراهی با کروی را گزیده بود و امسال نیز در اعلامیه ای [۳] همراه با برخی از عناصر حکومتی و دیگر رفرمیست ها و جمهوریخواهان و دمکراسی خواهان، شروط شرکت در انتخابات (که بنظر می رسد از شعارهای تبلیغاتی مهندس موسوی الهام گرفته شده است) را اعلام داشته است، کاملاً روشن است. آنها با به دام انداختن افرادی چون بهزاد سهرابی بر آند که هاله ی انقلابی متوهم در کنار او را به قلاب بیاندازند و حتی اگر نتوانند آنها را به حمایت از جناح مورد نظرشان وارد صحنه انتخابات کنند، حتی المقدور، ایشان را از فعالیت برای تحریم انتخابات باز دارند.

در اینجا، روی سخن ما با انقلابیون کمونیست است که گویا متوجه شرایط مشخص مبارزه طبقاتی نیستند! هنگامیکه جامعه ای به سرعت دو قطبی می شود و تمامی دسته بندی های بورژوازی، از خودی های هیئت حاکمه گرفته تا "اپوزیسیون برانداز"، نیروهای خود را در ائتلاف ها و جبهه ها متمرکز می کنند، و زمانیکه رییس حکومت امپریالیستی سخن از آشتی و کنار گذاشتن رفتارهای خصمانه اش علیه بورژوازی بومی می زند، هنگام آنست که به جامعه نظری دوباره بیافکنیم و ببینیم که آنها متوجه حاد شدن تضادهای طبقاتی هستند و در حال سازماندهی خود برای "روز مبادا" می باشند. روند مبارزه طبقاتی با شتاب به سمت "شرایط انقلابی" در حرکت است. امپریالیسم آمریکا خود را برای هر شرایطی آماده می سازد. از یکطرف اعلام می دارد که می تواند با ارتجاعی ترین نیروهای هیئت حاکمه وارد مذاکره شود و از طرف دیگر مهره های اصلاح طلب را تقویت کرده تا شاید بتواند جلوی امواج انقلاب قریب الوقوع را بگیرد، و حتی برای روزی که نتواند در شرایط تاثیر گذاشته و "تغییر حکومت" را بصورت مسالمت آمیز و به نفع اصلاح طلبان پیش ببرد، در حال موتلف کردن سلطنت طلبان و مجاهدین خلق است، تا مطمئن شود که در صورت وقوع انقلاب، قدرت به دست نهادهای دمکراتیکی (مردمی) که معمولاً در شرایط انقلابی ظاهر می گردند، نیافتند. به همین علت است که از یکطرف، میان جناح های هیئت حاکمه مسابقه ای برای سازش با امپریالیسم آغاز شده است تا خود را بعنوان تنها نامزد صالح شراکت با سرمایه جهانی به آمریکایی ها بقبولانند، و از طرف دیگر، نیروهای لیبرال و اپوزیسیون نیز در حال تشکیل ائتلاف هایی هستند تا در این اوضاع جایی بر سر سفره ی سرمایه جهانی و بومی برای خود دست و پا کنند. این فقط کارگران هستند که بواسطه ی ضعف کمونیست های انقلابی در درک شرایط و عدم تحقق انسجام تشکیلاتی لازم، قرار است همچون انقلاب ۵۷، بصورت پراکنده، "گوشت دم توپ" جا به جایی قدرت شوند.

رفقا!

زمان مطالعه و تدوین تئوری های رنگارنگ و گپ های قهوه خانه ای گذشته است. زمان آن فرا رسیده تا حول محور برنامه ی انقلابی برای استقرار حکومت شوراهای جمع شویم و با ایجاد تشکیلات سیاسی لازم، حزب طبقه کارگر، کارگران را در صف

اخبار کارگری

در آستانه روز جهانی کارگر؛ اخراج کارگران اراک، اعتصاب کارکنان بانک کشاورزی در تهران

آسیمان دیلی نیوز : در آستانه روز جهانی کارگر و در ادامه بحران ها و ایجاد فشارهای مضاعف برای جامعه کارگری کشور، شرکت های دولتی در شهر اراک، بسیاری از کارگران خود را اخراج نمودند و موج اخراج ها به بخش خصوصی هم کشیده شده است. تعدادی از کارکنان بانک کشاورزی در تهران، در آنچه اعتراض به قطع مزایای خود عنوان کرده اند، پنجشنبه گذشته در حوالی میدان انقلاب دست به اعتصاب و اعتراض زدند. همزمان گزارشی از یکی از واحدهای تولیدی در قم حاکیست "کارگران ۲۶ ماه است که حقوق و مطالبات خود را دریافت نکرده اند."

به گزارش سامانه خبری- تحلیلی کلمه، هم اکنون وضعیت کارگری در شهر اراک - بعنوان بزرگترین قطب صنعتی ایران- بحرانی بوده و شرکت های دولتی در آن شهر، بسیاری از کارگران خود را اخراج نموده اند. این گزارش خاطر نشان می سازد شرکت های بزرگ دولتی در اراک چندین ماه است که قادر به پرداخت حقوق کارگران خود نیستند و شرکت های آذر آب، واگن پارس و پالایشگاه اراک در این مورد وخیم ترین وضعیت را دارند. شرکت های دولتی در اراک که با مشکل نبود نقدینگی روبرو هستند، اقدام به اخراج کارگران خود می کنند و از سوی دیگر، در بخش خصوصی نیز اوضاع به شدت نگران کننده و بحرانی به نظر می رسد. بر اساس این گزارش، دولت محمود احمدی نژاد بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان به پیمانکاران بخش خصوصی بدهکار است و در سالیان اخیر، روند تعطیل کارخانه ها در ایران شدت گرفته است. بنا به گزارش منابع خبری به جرس، روز پنج شنبه ۲۶ فروردین ماه، گروهی از کارکنان بانک کشاورزی، در اعتراض به قطع مزایا و وامهای خود، در حوالی میدان انقلاب دست به اعتصاب و اعتراض زدند که عده ای از آنها دستگیر و طبق آخرین شواهد، به زندان اوین منتقل شده اند.

تلاش خبرنگار جرس برای تهیه لیست بازداشت شدگان و جزئیات بیشتر، به نتیجه ای نرسیده است. همزمان یکی از کارگران کارخانه نیمه تعطیل ایران ترمه و تهران پتو، ضمن بیان اینکه "هر روز اشتغال های کشور از بین می رود و کسی به این موضوع توجه نمی کند، اما اگر کوچکترین اشتغالی که آن هم شاید ناپایدار باشد، به وجود بیاید در بوق و کرنا می شود"، خاطر نشان کرد: " کارخانه ای که روزی ۳ هزار نفر به طور مستقیم و ۲۰ هزار نفر به طور غیر مستقیم از آن کسب روزی می کردند، با وضعیت فعلی در حال نابودی است... امروزه تنها ۲۰۰ کارگر در این واحد تولیدی باقی مانده است که همین ۲۰۰ کارگر هم ۲۶ ماه است که حقوق و مطالبات خود را دریافت نکرده اند.

طی چند ماه اخیر، کارگران اراک، اصفهان، استان گلستان، قم خوزستان و چند بخش تولیدی بزرگ در استان تهران، دست به اعتصاب و اعتراض به وضع موجود زدند. طی سالهای اخیر، بر خلاف ادعای دولت و دست استند کارگران بخش کارگری، بسیاری از واحدهای تولیدی تعطیل، گروه کثیری از کارگران اخراج یا محروم از دریافت حقوق و مزایا و حداقل معیشتی منصفانه، نقدینگی بخش تولید و صنعت با رکود و ورشکستگی و همچنین بخش کار و تولید کشور با بحران مواجه شده است.

فراخوان کارگران برای برگزاری مراسم روز کارگر

جرس: در پی رد درخواست رسمی خانه کارگر برای برگزاری مراسم تجمع و راهپیمایی به مناسبت یازدهم اردیبهشت ماه (اول ماه مه) روز جهانی کارگر، گروهی از حامیان جنبش سبز در آن نهاد مستقل، ضمن دعوت از عموم مردم سراسر کشور برای شرکت در تجمعی به مناسبت این روز، خواستار حضور و شرکت سبز همگان و حمایت از کارگران جامعه شدند. به گزارش اخبار واصله به جرس، برنامه های روز کارگر جنبش سبز در تهران، راس ساعت ۱۶ از مقابل وزارت کار (خیابان آزادی) شروع خواهد شد و تاکید می گردد: "در صورت ممانعت و درگیری ماموران و عدم امکان ادامه تجمع، به سمت وزارت کشور (خیابان فاطمی) حرکت خواهیم کرد."

این منبع خبری همچنین خاطر نشان کرد این گروه از حامیان جنبش، از تمام شهروندان دعوت کرده اند تا در تمامی نقاط کشور، راس ساعت ۴ بعد از ظهر حضور یافته و با حضور سبز خود، از کارگران جامعه خود دفاع کنند. این فراخوان شعارهای پیشنهادی روز کارگر را چنین اعلام کرده: آزادی عدالت این است شعار ملت؛ استقلال آزادی عدالت اجتماعی؛ هیئات من الذله ویا حسین میر حسین و خاطر نشان نموده است: در شهرستانها مقابل خانه کارگر تجمع خواهیم کرد و در صورت درگیری نیروی انتظامی و عدم امکان برگزاری مراسم، به سمت استاندارها در مراکز استان حرکت خواهیم نمود.

آدرس خانه کارگر در شهرستانها چنین اعلام شده است:

خانه کارگر کردستان : سنندج میدان مهر(مادر)اول بلوار بعثت

خانه کارگر تبریز : خ آذربایجان - اول خ آخونی - روبروی مسجد طالقان

خانه کارگر شیراز : بلوار سرد خانه فلکه فرصت شیرازی جنب اتحادیه اماکن

خانه کارگر اصفهان : خ بلوار دانشگاه رو بروی دژبانی ارتش

خانه کارگر مشهد : بلوار شهید قرنی بالاتر از تقاطع ابوطالب خ انقلاب

خانه کارگر اهواز : اتوبان قدس(بلوار لشکر) جنب بیمارستان آپادانا

خانه کارگر بروجرد : خ مدرس خصیا کوی شهید روح الله گودرزی پلاک ۲۰

خانه کارگر رشت : بلوار شهید بهشتی فلکه گاز جنب خبرگزاری

خانه کارگر اراک : دروازه تهران خ شیخ فضل الله نوری دروازه شهر بروجرد روبروی پارک شهر

خانه کارگر بند عباس : بلوار شهید حقانی خ شهید حمایتی روبروی مسجد اصغریه

خانه کارگر زاهدان : خ امام خمینی خ کامبوزیا پشت شهرداری مرکزی پلاک ۱۰

خانه کارگر زنجان : دانشسرا اول بی سیم خ جمهوری روبروی بیمارستان حکیم هیدجی

خانه کارگر سمنان : میدان ابوذخ ابوذخ نرسیده به سه راه ابوذخ روبروی شومینه آتش افروز
 خانه کارگر شهر کرد : خ ۱۷ شهریور نبش کوی ۱۲
 خانه کارگر قم : خ انقلاب نبش کوچه عشق علی ساختمان شیوا طبقه دوم .
 خانه کارگر کرمانشاه : شهرک تعاون ایستگاه ۱۸-۶ متری جهاد
 خانه کارگر گلستان: میدان ۱۵ خرداد سر خواجه یکم
 خانه کارگر لارستان : روبروی دارالرحمه
 خانه کارگر یزد: تقاطع بلوار جمهوری خ انقلاب جنب مسجد ابوالفضل
 خانه کارگر مهاباد :خ جام جم فلکه صدا و سیما مدرسه سابق صلاح الدین ایوبی
 خانه کارگر یاسوج :ابتدای خ ارتش روبروی گلستان یک
 خانه کارگر بیرجند :خ مدرس مدرس ۵۷ پلاک ۹
 خانه کارگر همدان :خ طالقانی چهار راه امیر کبیر اول خ ۲۰ متری، سنگ شیر
 خانه کارگر قزوین : شهر صنعتی البرز خ جابر ابن حیان جنب گاراژ کازویان
 خانه کارگر قائم شهر : خ ساری روبروی بیمه آسیا
 خانه کارگر خرم آباد : میدان امام حسین سه راه گلدشت خ ایران زمین جنب ایستگاه ۱۱۵
 خانه کارگر بوشهر : خ گمرک روبروی عباس علی جنب مدرسه گلستان کوچه جنب دبستان
 خانه کارگر ارومیه :پایین تر از سه راه دخانیات محله قاسمیه بعد از مسجد
 خانه کارگر آبادان : اول ایستگاه هشت میدان گاز صندوق پستی

دعوت به اعتصاب غذای سراسری معلمان در ایران

آسمان دلیلی نیوز : در آستانه بزرگداشت هفته معلم شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان روز جمعه ۲۷/۱/۸۹ طی نشستی پس از بررسی اوضاع اجتماعی معلمان و شرایط روز در دفاع از حقوق از دست رفته و حمایت از فعالین مدنی و معلمین در بند بیانیه خود را صادر نمود .

این بیانیه بخاطر نبودن رسانه آزاد و مستقل از طریق اینترنت انتشار می یابد
 انتظار دارد تمامی دوستان و فعالین صنفی در انتشار این بیانیه بعنوان رسانه مردمی عمل نموده و صدای معلمان را رساتر از قبل منتشر سازند.

لازم به ذکر است که این شورا با هیچ خبرگزاری و رسانه ای انحصارا برای نشر این بیانیه در تماس نبوده و این بیانیه به همت شما و همکاران بصورت مردمی در حال نشر است.توصیه میگردد دوستانی که امکان چاپ و تکثیر این بیانیه را دارند سریعاً اقدام نمایند .
 اردیبهشت ۸۹

دعوت به اعتصاب غذای سراسری معلمان در ایران بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران

اردیبهشت ۸۹

به نام خداوند جان و خرد

دوازده اردیبهشت را که در تقویم کشور روز معلم نامگذاری شده گرامی می داریم و بر روح معلمان شهید دکتر ابوالحسن خانعلی و استاد مطهری که در چنین روزی به شهادت رسیدند و هر دو قربانی خشونت عریانی شدند که هنوز هم جامعه ما از آن رنج می برد درود می فرستیم.

در جهان ،معمول است در روزی که به نام معلم نامگذاری شده ، معلمان اقدام به راهپیمایی ، گردهمایی ، طرح نقد و نظر و اندیشه های خود در حوزه آموزش و پرورش و بیان مسائل و مشکلات و تنگناهای شغلی خود می کنند.

در ایران فرصت چنین اقداماتی در قانون به افراد داده شده است ولی در عمل هر معلمی که بر اساس حقوق صنفی ، انسانی و شهروندی خود و به تاسی از قانون اقدام به امور مذکور کند به مجازات هایی فرا قانونی محکوم شده و داد او به جایی نخواهد رسید. که مصداق بارز آن در حال حاضر عدم رعایت نص صریح قانون اساسی و اصول ۲۸-۲۳-۲۲-۲۷-۲۶-۲۵-۲۳-۲۲ در حق بهترین معلمان این کشور می باشد که در زندان ها بسر می برند.

فرهنگیان ، با وجودی که خود از مؤثرترین گروه ها در پیروزی انقلاب و جنگ بوده اند معتقدند هیچ گروهی سهم ویژه از انقلاب ندارد که خود را مافوق قانون و انقلاب بداند ونظام را برابر با فواره ی خود تصور نماید و هر کس را که با سلیقه اش هم خوانی نداشت به مقابله با نظام متهم کند. یکی از اهداف انقلاب اسلامی مردم ایران برقراری فضای آزاد در کشور بود به گونه ای که همه ی آراء و اندیشه ها ونقد ونظرها به مصداق آیه ی شریفه " فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه " مجال طرح پیدا کند وهیچ مسؤولی خود را مبرا از نقد نداند ودر برابر اعمال خود و سرنوشت ملت پاسخ گو باشد. آیا به این اهداف رسیده ایم؟

چگونه است امروز فرهنگیان که فرزندان حقیقی ملت بزرگ ایرانند ودل داده ی انقلاب، اسلام، عدالت و آزادی اند و دل در گرو کرامت انسانها و حفظ حقوق انسانی افراد دارند، صرفاً به خاطر طرح انتقاد های خود به مجازات های عجیب و غریب محکوم می شوند؟ " فاین تذهبون " ؟

جریان قدرت عاجز از درک این واقعیت است که جامعه فرهنگیان از دریا و سالوس و مدح و ستایش برای هیچ صاحب قدرتی در نخواهند آمد و گوهر نقد را چون جان شیرین پاس خواهند داشت و کرامت آزادگی را که خدا به بنی آدم عطا کرده ارزان نخواهند فروخت.
 از آنجا که برخی ایران را «آزاد ترین کشور جهان خوانده اند که در آن آزادی نزدیک به مطلق است» باید به این سوال پاسخ دهند که چرا دلسوزترین و صادق ترین معلمان کشور صرفاً به خاطر انتقاد از وضع موجود ، با احکامی چون اعدام ، حبس ، تعلیق ، اخراج ، تبعید ، بازخرد ، باز نشسته اجباری ، تنزل رتبه ی شغلی ، محرومیت از تدریس و ... مواجه می شوند. هزینه هایی که فرهنگیان ایران صرفاً به

نان، مسکن، آزادی – جمهوری شورائی

لحاظ انتقاد تحمل کرده و می کنند در جوامع پیشرفته، نشانه رشد و بالندگی و شایسته ی تقدیر و تحسین است. فرهنگیان «آزادترین کشور جهان!!!» می خواهند بدانند امثال بدافی ها، خواستارها، دآوری ها و مومنی ها چه جرمی مرتکب شده اند که باید بدون محکومیت، ماه ها حبس در شرایط نامناسب را تحمل کنند، حقوقشان قطع و فرزندان خرد سالشان در سختی و مزیقه ی مادی، نا امنی و نا امیدی و سراسیمگی زندگی کنند. معلمانی چون کمانگر و قنبری چه گناه نابخشودنی مرتکب شده اند که به احکام هولناک اعدام محکوم گردیده اند.

اثر روحی - روانی این احکام بر خانواده ها و جامعه میلیونی فرهنگیان کشور زدودنی نیست و گذر زمان ایشان را مانند شهید ابوالحسن خانعلی به اسطوره های ماندگار ملی تبدیل خواهد کرد حتی با فرض پخش اعترافات از آنها در رسانه ها، افکار عمومی مردم و فرهنگیان چنین اعترافاتی را نخواهند پذیرفت.

مشفقانه مدیران و گردانندگان چنین سیاست هایی را انذار می دهیم که این اعمال به هیچ روی نه دردی از شما دوا می کند و نه در شأن نام جمهوری اسلامی است که همه ی ما برای برپایی و حفظ آن خون ها داده و خون دلها خورده ایم. بدیهی است لطمه ای که صدور چنین احکامی به دین، میهن و انسجام ملی می زند از هیچ دشمنی ساخته نیست چرا که لطمه ی بد دفاع کردن جبران ناپذیر است. چنین ساده اندیشانی به خاطر ضعف تحلیل و قوه ی تمیز و بدبینی مفرط، دچار توهم توطئه شده و هر منتقدی را خصم پنداشته و خود را حق انگاشته و هر استدلالی را باطل می دانند چرا که:

ذهن هایی که خیال اندیش شد گر دلیل آری خیالش بیش شد
ناگفته پیداست جامعه ی عظیم فرهنگیان کشور به هیچ روی تحمل چنین احکامی را ندارد و شکی نیست که اجرای چنین احکامی جامعه و آموزش و پرورش را بیش از پیش ملتهب کرده و روی هرگونه آرامشی را از عرصه فرهنگ خواهد گرفت. صدور احکام رنگارنگ و زدن اتهامات واهی به فرهنگیان و تشکل های ایشان، روش نخ نمایی است که می خواهند با این اتهامات فرهنگیان و نمایندگان آنها را در موضع انفعال قرار داده تا به جای طرح مسائل و مشکلات حوزه آموزش و پرورش، در گیر پاسخ گویی به اموری بی ربط و بیهوده گردند تا از این طریق نیروهای آنها در دفاع از خویش صرف گردد و مسیر اصلی و هدف اولیه تشکل های صنفی دور شوند.

امید است عقلا ی قوم با تدبیر و درایت آبی بر آتش التهابات افشانند و به خواست صدها هزار فرهنگی کشور توجه نمایند و به عنوان حسن نیت در گام اول همه ی فرهنگیان در بند را آزاد کنند. با وجود همه ی این بی رسمی ها و حقاها در حق فرهنگیان کشور کماکان ناامید نشده و در عین ایستادگی بر حقوق خویش، بخشی از مسائل و مشکلات موجود در حوزه ی آموزش و پرورش را با تصمیم گیران کلان کشور در میان می گذاریم، با این امید که با اصلاح رویکردها، آموزش و پرورش در مسیر صحیح خود قرارگیرد.

بدیهی است ضمن انتقاد از بزرگ نمایی های مکرر و رسانه ای کردن موضوعاتی که فعلاً در حد حرف باقی مانده و نقاط ضعف و قوت آن روشن نیست، از هر اقدام مثبت و سازنده در جهت حفظ کرامت فرهنگیان و ارتقاء منزلت و معیشت ایشان کاملاً استقبال می کنیم و با نگاهی مثبت منتظر اجرایی شدن برخی وعده های رسانه ای شده مسؤولان ذی ربط می مانیم.

۱- خط قرمز هر صنفی نقض حرمت، شأن و منزلت افراد آن است. لذا خواسته اولیه فرهنگیان کشور آزادی سریع و بی قید و شرط همه ی فرهنگیان در بند و صدور منع تعقیب قضایی و لغو کلیه ی احکام اداری و قضایی صادره برای فرهنگیان منتقد است، تحقق این امر ضمن تلطیف فضا و کاستن از تنش ها نشان از درایت و حسن نیت مسؤولان امر و رویکردی انسانی در حوزه آموزش و پرورش دارد.

۲- رفع فضای امنیتی از مدارس و ادارات آموزش و پرورش، تأمین امنیت شغلی فرهنگیان و پرهیز از مخبر پروری در فضای مقدس کلاس و مدرسه و اجتناب از پرونده سازی برای فرهنگیان منتقد.

۳- اصلاح نگاه مسؤولان و تصمیم گیران کلان کشور به آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد زیر بنایی نه مصرفی.

۴- عدم تخصیص درآمدهای ملی نفت و گاز به هزینه های جاری و صرف آن در امور زیربنایی مانند آموزش و پرورش و بهداشت.

۵- پرهیز از هر گونه رفتار جناحی و خطی و سیاست بازی در تألیف کتب درسی و معیار قراردادن نظر همکاران متخصص.

۶- فراهم آوردن امکانات لازم و در حد استاندارد در مدارس دولتی به منظور جلوگیری از تنزل جایگاه وافت تحصیلی مدارس دولتی مطابق اصل ۲۰ قانون اساسی.

۷- رفع تبعیض درون و برون سازمانی در خصوص دارندگان مدارک تحصیلی فوق لیسانس و دکترا در آموزش و پرورش و اما سؤالاتی که فرهنگیان کشور تا کید بر طرح آنها داشته و ضرورت پاسخ گویی متولیان امر را می طلبد:

۱- آیا قانون مدیریت خدمات کشوری (نظام هماهنگ) کارایی لازم را برای رفع تبعیض در بین کارکنان دولت داشته است؟

۲- آیا با وجود وعده های مکرر، آموزش و پرورش از عرصه بازی های سیاسی خارج شده است؟

۳- آیا تبدیل مدارس دولتی به مدارس تحت عنوان هیأت امنایی از وجاهت قانونی برخوردار است؟ اگر پاسخ منفی است چه اقدام عاجلی برای حفظ حقوق دانش آموزان و خانواده هایشان در دستور کار است؟

۴- طبق مصوبه ۶۷۳ شورای عالی آموزش و پرورش مدیران مدارس باید با رأی فرهنگیان شاغل در هر آموزشگاه انتخاب شوند. علت عدم اجرای این قانون چیست؟

و اما همکاران عزیز!

امیدواریم در بیانیه ی بعدی از گشایش ها و رفع مشکلات با شما سخن بگوییم از شما تقاضا داریم در هفته معلم و در فرصت های استراحت در دفتر مدارس درخواست های زیر را رعایت فرمائید:

۱- از ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت ۸۹ اعضای شورای مرکزی (هیأت مدیره) کانون معلمان و فعالان صنفی به نشانه اعتراض به احکام غیر قانونی اعدام و حبس غیر قانونی همکاران و در روز ۱۲ اردیبهشت عموم همکاران اعتصاب غذای کامل خواهند نمود.

۲- فرهنگیان تهران در روز ۱۲ اردیبهشت از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷:۳۰ بر سر مزار دکتر ابوالحسن خانعلی و در قم بر سر مزار استاد مطهری گرد هم می آیند. و در شهرستان های دیگر نیز از معلمان فرهیخته تجلیل به عمل می آید.

با توجه به عضویت شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در سازمان آموزش بین المللی (ei) از آن سازمان در خواست می گردد اقدام مقتضی در حمایت از معلمان ایران خاصه معلمان زندانی به عمل آورد.

دبیر خانه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران اردیبهشت ۸۹

اعتصاب غذای رسول بدافی در آستانه ی روز معلم

آسمان دلی نیوز: رسول بدایق، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران، در روزهای یازدهم و دوازدهم اردیبهشت ماه، اعتصاب غذا خواهد نمود.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، رسول بدایق، که از اوایل شهریور ماه سال گذشته تاکنون در زندان اوین به سر می برد، در اعتراض به شرایط بد کیفی و کمی آموزش و پرورش، در روزهای یاد شده، دست به اعتصاب غذا خواهد زد. پیش تر و در فروردین ماه سال جاری نیز، آقای بدایق در اعتراض به شرایط بد زندان، بلا تکلیفی چند ماهه و پاسخ گو نبودن مسئولان، به مدت دو هفته، دست به روزه سیاسی زد.

شایان ذکر است که از "دوازدهم اردیبهشت ماه" در ایران به عنوان "روز بزرگ داشت مقام معلم" یاد می شود و رسول بدایق، معلم در بندی است که با اعتصاب غذای خود در زندان، این روز را گرمی می دارد.

اعتصاب غذای معلمان برای آزادی همکاران دربندشان • مصاحبه

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان اعلام کرده که در اعتراض به صدور احکام سنگین حبس و اعدام برای معلمان زندانی از ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت به اعتصاب غذا دست می زند.

در این بیانیه با اشاره به اسامی معلمان زندانی تقاضای آزادی هرچه سریعتر تمامی آنان مطرح شده. از دیگر مواردی که نویسندگان این بیانیه خواستار انجام آن شده اند رفع فضای امنیتی از مدارس و ادارات آموزش و پرورش، تامین امنیت شغلی فرهنگیان، پرهیز از مخبرپروری در فضای کلاس و مدرسه و اجتناب از پرونده سازی برای فرهنگیان منتقد است. علیرضا هاشمی دبیرکل سازمان معلمان از تمامی فرهنگیان می خواهد تا در این حرکت اعتراضی شرکت کنند و اگر برایشان مقدور نیست که تمامی هفته را دست به اعتصاب غذا بزنند، روز سه شنبه ۱۴ اردیبهشت به این حرکت جمعی بپیوندند. وی همچنین از تمامی فرهنگیان و نیز سایر اقشار مردم دعوت می کند تا در روز ۱۲ اردیبهشت در تهران بر سر مزار ابوالحسن خانعلی معلم کشته شده در حکومت پهلوی در گورستان ابن بابویه و در قم بر سر مزار مرتضی مطهری حاضر شوند.

دوچپه وله: آقای هاشمی، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران اعلام کرده که از ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت ماه قرار است دست به اعتصاب غذا بزند. این اقدام با چه هدفی صورت می گیرد؟

علیرضا هاشمی: شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان و کانونهای صنفی سراسر کشور با توجه به وضعیتی که امروز آموزش و پرورش ما دارد و خصوصا فشارهایی که به تشکلهای فرهنگیان وارد می شود و تعدادی از فعالان آنها امروزه در حال گذراندن حبس هستند و زندان را تجربه می کنند، تصمیم گرفته اند برای «هفته ی معلم» از ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت مجموعه فعالیت هایی را سامان دهند که یکی از آنها اعلام اعتصاب غذاست در اعتراض به ادامه ی زندانی بودن همکاران عزیزمان رسول بدایق، محمد داوری، هاشم خاکسار، عبدالرضا قنبری و عبدالله مؤمنی و از فعالان صنفی و همکاران فرهنگی در سراسر کشور هم خواسته اند که در صورت امکان به این اعتصاب غذا بپیوندند یا حداقل یکروز از هفته را که سه شنبه چهاردهم اردیبهشت اعلام شده، با فعالان صنفی مدنی همکاری کنند و از خوردن و آشامیدن استنکاف بورزند.

این تعدادی که شما اسامی شان را ذکر کردید، البته غیر از آقای عبدالله مؤمنی، باقی همه فقط به علت خواسته های صنفی در ارتباط با شغل شان یعنی معلمی الان در زندان هستند؟

تمام این دوستان رسول بدایق از همکارانمان در اسلام شهر، محمد داوری از همکارانمان در منطقه ی ۱۱ تهران، هاشم خاکسار از همکارانمان در مشهد و عبدالرضا قنبری از همکارانمان در پاکدشت و حتی عبدالله مؤمنی از همکاران فرهنگی منطقه ی ۲ ما هستند. این دوستان در زمینه ی فعالیت های صنفی و اجتماعی بازداشت شده اند. البته به آنها اتهاماتی وارد می کنند، اما متأسفانه بعد از گذشت هفت ماه از بازداشت شان، هنوز به اتهامات شان رسیدگی نکرده اند. در ضمن در اتهاماتی که به این دوستان وارد می کنند، مسائل غیرصنفی هم دیده می شود. اما به نظر ما عمده فعالیت این دوستان فعالیت های صنفی در راستای بهبود وضع فرهنگیان کشور بوده است.

در بیانیه ای که شورای هماهنگی صنفی معلمان منتشر کرده، از صدور حکم اعدام برای آقای قنبری صحبت شده، آیا این خبر صحت دارد؟

بله متأسفانه و باعث تعجب ما و دوستان فرهنگی دیگرمان هم شده است که آقای عبدالرضا قنبری از همکارانمان در پاکدشت که ۱۶ سال سابقه ی کار دارند و فوق لیسانس ادبیات هستند و حتی خانم شان هم فرهنگی اند و در آموزش و پرورش مشغول به کار هستند، به دلیل فعالیت های صنفی و اجتماعی در رابطه با حوادث سال گذشته بازداشت شدند. به ایشان اتهاماتی را وارد کرده اند، از جمله فرستادن ایمیل یا دریافت ایمیل. ولیکن حکمی که صادر شده، یعنی اعدام، اصلا قابل تصور نبوده که به خاطر چند ایمیل فردی را متهم کنند و حکم اعدام برایش صادر کنند. این حکم اعدام باعث تعجب ما و قطعاً تعجب هر انسان آزاده ای در سراسر دنیا خواهد شد که این خیر را بشنود.

آقای هاشمی الان حدود چهار یا پنج سال هست که معلمان به صورت متشکل خواست های خودشان را مطرح می کنند که همیشه هم خواست های صنفی بوده است، در مورد حقوق شان، در مورد قراردادهای کاری شان. الان این معلمان به جایی رسیده اند که برای اعتراض به وضعیت موجودشان اعلام اعتصاب غذا کرده اند. در آستانه ی روز معلم وضعیت معلمان ایران را به طور خلاصه چه طور ارزیابی می کنید؟

ساماندهی وضعیت آموزش و پرورش متأسفانه امروزه به مانند بقیه امور کشور از یک فرایند کاملاً امنیتی سود می برد و به نظر می رسد که مسئولین ما به جای آن که به خواسته های برحق فرهنگیان و دیگر اقشار جامعه توجه کنند، سعی می کنند با ساکت کردن معترضین، به زندان انداختن شان و بعضاً برخوردهای غیرانسانی آنها را به تمکین وادار کنند. امروزه هم با آن که وزیر جدید آموزش و پرورش جناب آقای حاج بابایی تحرک بسیاری دارند و مرتب از کانال های مختلف رادیو تلویزیون خبرهای مختلفی را برای فرهنگیان اعلام می کنند، اما این تحرک در آموزش و پرورش فقط در حد وزیر است و شاید بیش تر آن هم شعارهایی بیش نباشد. بنابراین وضعیت ما با آن که نسبت به گذشته بهتر نشده است، ولیکن امید ما به آینده بسیار بیشتر از گذشته است. بنابراین مجموعه فعالان صنفی مدنی در حوزه ی آموزش و پرورش به مجموعه فعالیت های خودشان با قوت ادامه خواهند داد.

مصاحبه گر: میترا شجاعی
تحریریه: بهمن مهرداد

سناریوی وزارت اطلاعات برای یک معلم

آسمان دلیلی نیوز: عبدالرضا قنبری، معلم ۴۷ ساله یکی از مدارس پاکدشت هم با اتهام محاربه به اعدام محکوم شده است. استناد قاضی صلواتی در صدور حکم اعدام این معلم که ۲۴ دی ماه بازداشت شده "محاربه از طریق ارتباط با گروه‌های معاند که از مصادیق این موضوع داشتن ایمیل‌های مشکوک و ارتباط با یکی از رسانه‌های تلویزیونی خارج از کشور" بوده است. اما منظور از این "ایمیل‌های مشکوک و ارتباط با یکی از رسانه‌های تلویزیونی خارج از کشور" چیست؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که عبدالرضا قنبری در آذر ۸۸ ایمیلی دریافت میکند که به ظاهر از سوی سازمان مجاهدین خلق بوده است. او به این ایمیل پاسخ نمی‌دهد اما پس از مدتی تلفنی با او تماس گرفته می‌شود و فردی که خود را نماینده سازمان مجاهدین خلق معرفی می‌کند، از وی می‌خواهد در تجمعات خیابانی حضور یابد و گزارش ارسال کند. براساس اطلاعاتی که نزدیکان آقای قنبری در اختیار "روز" قرار داده‌اند، این فرد بار دیگر در روزعاشورا با آقای قنبری تماس می‌گیرد و این معلم دبیرستانی، گزارشی یک دقیقه‌ای پای تلفن به او می‌دهد و فیلمی در حدود نیم دقیقه نیز به آدرس ایمیل وی ارسال می‌کند.

یک هفته بعد در روز ۱۴ دی ۱۳۸۸ او را در محل کارش که دبیرستانی در پاکدشت بوده دستگیر می‌کنند و بنابراین درخواست آنان را مبنی بر همکاری، حضور در دادگاه علنی و بیان اظهارات خلاف واقع و اغراق‌آمیز علیه خود می‌پذیرد. در روز ۹ بهمن او را به اتفاق جمعی همچون مرتضی سیمپاری و پیام فناپیان به محل دادگاه می‌برند، سئوالاتی را که قرار بوده قاضی روز بعد از ایشان بی‌رسد به آنان می‌دهند و به آنان گفته می‌شود اگر این پاسخ‌ها را بدهید در مجازات شما تخفیف داده می‌شود. همچنین به او و سایرین گفته می‌شود که از درخواست وکیل تعیینی صرف‌نظر کنند تا به آنها بیشتر ارفاق شود و سپس مانند سکانس‌های آزمایشی از ایشان فیلم‌برداری می‌شود. روز بعد یعنی دهم بهمن، دادگاه با ریاست قاضی صلواتی تشکیل می‌شود و آنها هم طبق موافقت قبلی موارد را اعلام می‌کنند.

اما پی‌گیری‌ها نشان می‌دهد ایمیلی که به ظاهر از سوی سازمان مجاهدین و تلویزیون آنها برای عبدالرضا قنبری فرستاده شده متعلق به این سازمان نیست و به نظر می‌رسد سناریویی از سوی وزارت اطلاعات برای به دام انداختن عبدالرضا قنبری و موارد مشابه دیگر بوده است.

در همین زمینه می‌توان به هادی عابد خدا اشاره کرد که که ۱۷ دی ماه از سوی وزارت اطلاعات بازداشت شد. او از زندانیان دهه شصت بوده که هنگام بازداشت در دهه شصت بر اثر اصابت گلوله، فلج شده بود. پیشتر سایت زندانیان سبز خبر داده بود این فعال سیاسی سابق که به اتهام شرکت در تجمعات اعتراضی بعد از انتخابات بازداشت شده، متهم به همکاری با سازمان مجاهدین خلق است و با همین اتهام به دو سال حبس تعزیری محکوم شده است. این در حالیست که او سالهاست هیچ گونه فعالیت سیاسی ندارد.

فعال سیاسی که خود مدتی نیز در زندان به سر برده و اکنون با قرار وثیقه آزاد شده است گفته است که "غیر از مورد آقای قنبری، مواردی دیگری را در این مدت مشاهده کردم که افرادی که قبلاً پرونده و سابقه محکومیت یا اتهام سیاسی داشته‌اند با روش‌های گوناگون مورد توجه وزارت اطلاعات بوده و بعضاً بازداشت شده بودند بی آن که در جریانات اخیر نقشی داشته باشند.

کارگران ۲۶ ماه است که حقوق و مطالبات خود را دریافت نکرده‌اند / روزی ۳ هزار نفر به طور مستقیم و ۲۰ هزار نفر به طور غیر مستقیم از این کارخانه کسب روزی می‌کردند

آسمان دلیلی نیوز: یکی از کارگران کارخانه نیمه تعطیل ایران ترمه و تهران پتو گفت: هر روز اشتغال‌های کشور از بین می‌رود و کسی به این موضوع توجه نمی‌کند، اما اگر کوچکترین اشتغالی که آن هم شاید ناپایدار باشد، به وجود بیاید در بوق و کرنا می‌شود. تقی نصیری، یکی از کارگران کارخانه ایران ترمه قم در گفت و گو با خبرنگار ایلنا در قم، گفت: آدم دلش می‌سوزد، کارخانه‌ای که روزی ۲ هزار نفر به طور مستقیم و ۲۰ هزار نفر به طور غیر مستقیم از آن کسب روزی می‌کردند، با وضعیت فعلی در حال نابودی است. وی در تشریح روند رسیدن کارخانه ایران ترمه قم، به نقطه فعلی گفت: سال ۸۲ که مالک اصلی این کارخانه فوت کرد و متعاقب آن فرزندان ایشان مدیریت کارخانه را در دست گرفتند که مدیریت فرزندان چندان مطلوب نبود ولی باز هم، تا سال ۸۴ هم وضعیت خوب بود. مسؤول سابق شورای عالی کار کارخانه ایران ترمه قم ادامه داد: یکی از فرزندان مالک اصلی کارخانه، برای به دست گرفتن مدیریت کارخانه اقدام کرد، اما بنابر گفته خود او هر روز از طرف مسؤولین استانی برای او مشکلی را ایجاد کردند. وی افزود: در سال ۸۴، در پی به وجود آمدن یک بحران، ۵۰۰ کارگر این کارخانه توسط شورای تأمین استان قم از کار اخراج شدند، که دیگر برگشت به کاری برای آن‌ها وجود نداشت.

نصیری ادامه داد: بعد از آن کارخانه با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شد، که از آن جمله می‌توان به عدم پرداخت حقوق کارگران، عدم تولید به موقع و عدم ارسال مواد اولیه به موقع اشاره کرد، که امروزه بحران را به جایی رسانیده که کارخانه‌ای که روزی ۲ هزار کارگر داشت، امروزه تنها ۲۰۰ کارگر آن باقی مانده است که همین ۲۰۰ کارگر هم ۲۶ ماه است که حقوق و مطالبات خود را دریافت نکرده‌اند. تقی نصیری با بیان این که بعد از اخراج بسیاری از کارگران کارخانه تنها به عده معدودی از کارگران بیمه بیکاری تعلق گرفته است و بیشتر کارگران حتی از بیمه بیکاری هم محروم شده‌اند، گفت: طبق قانون کسی که ۶ ماه سابقه کار داشته باشد، بیمه بیکاری به او تعلق می‌گیرد، اما با بخشنامه‌های داخلی بسیاری از کارگران را از این حق محروم کرده‌اند، که این ظلم بزرگی به کارگران زحمت کش جامعه است.

دبیر سابق کانون شورای عالی کار استان قم، اظهار داشت: در شهر قم هر روز اشتغال از بین می‌رود و کسی به این موضوع توجه نمی‌کند، اما کوچکترین اشتغالی که آن هم شاید ناپایدار باشد، به وجود بیاید در بوق و کرنا می‌شود؛ در کشور ما اشتغال‌های موجود از بین می‌رود و همواره ادعای اشتغال جدید داریم.

نیمی از واحدهای صنعتی خیرآباد تعطیل شده است

آسمان دلیلی نیوز: وقتی به مسوولان می‌گوییم حدود ۵۰۰ واحد صنعتی در این منطقه وجود دارد تعجب می‌کنند. ایلنا: امام جمعه خیرآباد ورامین گفت: در اثر رسیدگی نکردن مسوولان حدود ۵۰ درصد واحد صنعتی این منطقه تعطیل شده است. به گزارش ایلنا، حجت الاسلام امیری در جلسه شورای

اداری ورامین افزود: در این ۲ ساله که بنده در خدمت مردم خیرآباد بوده‌ام در تمام جلساتی که حضور داشته‌ام مشکلات مردم را متذکر شدم اما هنوز هیچ کدام از این مشکلات حل نشده است. وی تصریح کرد: بهتر است از آقای فرماندار ورامین شروع کنم اما هنوز وی برای خیرآباد کاری نکرده است. او اظهار داشت: تا به حال فقط قول شنیده‌ایم و از عمل خبری نیست. امیری با اشاره به منطقه صنعتی خیرآباد گفت: این منطقه دارای کارخانه جات و کارگاه‌هایی زیادی است که این می‌توان آنرا درکشور کم نظیر دانست. وی افزود: در اثر رسیدگی نکردن مسوولان حدود ۵۰ درصد واحدهای صنعتی خیرآباد تعطیل شده است. امام جمعه خیرآباد گفت: حتی برخی از مسوولان از وجود این کارخانه‌ها اطلاع هم ندارند. وی گفت: وقتی به مسوولان می‌گوییم حدود ۵۰۰ واحد صنعتی در این منطقه وجود دارد تعجب می‌کنند.

اخراج اولین زن راننده شرکت واحد

شهرداد نیوز: فرحناز شیرازی، اولین راننده شرکت واحد، به دلیل نپذیرفتن قرارداد موقت برای ادامه‌ی کارش از شرکت واحد اخراج شد. وی در سال ۸۵ پس از ۱۲ سال رانندگی در بیابان و پذیرش آزمون‌های شرکت واحد به استخدام درآمد. پس از پایان قرارداد اولیه شش ماهه قرارداد دیگری دریافت کرد که بر مبنای آن آموزش ۱۲ - ۱۰ زن با گواهی نامه پایه یک را نیز در شرکت واحد به عهده گرفت. شیرازی پس از تشویق‌ها و تقدیرهای فراوان هنگامی که برای پیگیری وضعیت استخدامش به مدیران شرکت مراجعه کرد، با امتناع آنان از بستن قرارداد دائم مواجه شد. مدیران شرکت بار دیگر خواستار بستن قرارداد موقت با وی شدند که او از پذیرفتن آن خودداری کرد. شرکت واحد از ادامه کار وی در آستانه‌ی سال نو جلوگیری نمود. در حال حاضر فرحناز شیرازی منتظر برگزاری جلسه تشخیص اداره‌ی کار است. پیمان سنندجی، معاون شرکت واحد، در آبان ۸۶ ضمن اعلام خبر استخدام ۱۵ راننده زن علاوه بر فرحناز شیرازی، گفته بود، باید زمینه فعالیت زنان در حوزه‌های مختلف فراهم شود تا آنها بتوانند دوش به دوش مردان در جامعه حضور یابند و در این راستا فراهم کردن زمینه فعالیت زنان راننده خودروهای سبک و سنگین یک ضرورت محسوب می‌شود.

بیکاری سالانه ۲۰۰ هزار کارگر در ایران

رادبو زمانه: علیرضا محجوب، دبیرکل خانه کارگر اعلام کرد دو هزار واحد تولیدی، با بحران مالی مواجه هستند و سالانه به طور متوسط، «۲۰۰ هزار کارگر» در ایران بیکار می‌شوند. به گزارش خبرنگاری ایلنا، آقای محجوب که در آستانه هفته کارگر با خبرنگاران سخن می‌گفت، هشدار داد که با اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها این وضعیت، تشدید خواهد شد.

وی خطاب به خبرنگاران گفت: «شک نکنید که به طور متوسط، سالانه ۵۰۰ واحد بزرگ و متوسط در کشور بحران‌زا هستند.»
محجوب با انتقاد از کاهش تعداد کارگران ساختمانی گفت که ۴۰ درصد شاغلان بخش ساختمانی ایران، نیروی کار داخلی و بقیه، نیروی کار غیرایرانی هستند

دبیرکل خانه کارگر همچنین با انتقاد از کاهش تعداد کارگران ساختمانی گفت که ۴۰ درصد شاغلان بخش ساختمانی ایران، نیروی کار داخلی و بقیه، نیروی کار غیرایرانی هستند. وی همچنین در مورد اصلاح قانون کار که مدتی است وزیر کار اعلام کرده لایحه آن به مجلس ارسال شده است، گفت: «هنوز من چیزی در این مورد ندیدم و هنوز واصل نشده است.»

بیکاری هزار کارگر در استان ایلام

در پیوند با این گزارش، علی غیائی، فعال کارگری در ایلام گفت که در دو سال گذشته، بیش از هزار کارگر در ایلام، بیکار و بیش از ۲۰ واحد صنعتی در این استان تعطیل شده است. آقای غیائی با ابراز نگرانی نسبت به «وضعیت نامناسب» زندگی کارگران، افزود برخی فکر می‌کنند که وضع زندگی کارگران محروم، به دلیل هزینه‌های کمتر بهتر است، اما «این تفکر اشتباه است.»

«در ایلام هیچ‌گونه امنیت شغلی وجود ندارد و کارفرما هر زمان که بخواهد کارگر را اخراج می‌کند»

این فعال کارگری در ادامه اظهاراتش، به «برخورد نامناسب کارفرما «با کارگران اشاره کرد و گفت: «در ایلام هیچ‌گونه امنیت شغلی وجود ندارد و کارفرما هر زمان که بخواهد کارگر را اخراج می‌کند.»

وی اضافه کرد در مناطق محروم «باید دستمزد کارگران بیشتر باشد» چرا که برخلاف شهرهای بزرگ، امکان کار دوم در این مناطق وجود ندارد. به گفته آقای غیائی، شرکت‌های پیمانکاری، «بیشترین ظلم «را در حق کارگران می‌کنند و یک «کارگر دارای مدرک لیسانس، ماهیانه ۳۲۰ هزار تومان دستمزد می‌گیرد.»

از سوی دیگر، غیائی اشاره کرد که کارگر، حق «هیچ‌گونه اعتراضی ندارد» و اگر اعتراض کند، پیمانکار به راحتی او را «اخراج» می‌کند.

دلیل تعطیلی‌های دامنه‌دار کارخانه‌های چرم مشهد

آسمان دلیلی نیوز: تعطیلی کارخانه‌های چرم‌سازی در مشهد ادامه دارد و این تعطیلی‌ها موجب بیکار شدن حداقل هزار و پانصد کارگر شده است. به گزارش پایگاه خبری سفیر، از سال ۸۲ تاکنون ۴۵ کارخانه چرم‌سازی در مشهد به دلایلی از جمله ثابت نبودن نرخ ارز برای تولیدکنندگان، قاچاق روزافزون کفش‌های چینی و تایلندی با قیمت بسیار پائین تعطیل شده است.

به گفته یکی از مسئولان صنفی این صنعت، این مشکلات بارها با مسئولان در میان گذاشته شده اما به دلیل تصورات اشتباه مسئولان و ایجاد این تلقی که تولیدکنندگان به دنبال سود بیشتر هستند تاکنون راه حلی برای رفع این معضل دامنه‌دار اندیشیده نشده است.

بیکاری یک هزار کارگر در ایلام

آسمان دلیلی نیوز: علی غیائی یک فعال کارگری در استان ایلام از میزان بالای تورم و گرانی در سطح کشور خبر داد و گفت: اینکه حقوق کارگران کم تعیین شود و آنان نزد خانواده شرمند باشند به هیچ وجه درست نیست بلکه باید آبروی کارگر حفظ شود. به گزارش ایلنا، وی با اعلام اینکه زندگی کارگران در شرایط مناسبی نیست، گفت: گمان می‌کنند که وضع کارگران مناطق محروم به دلیل هزینه‌های کمتر بهتر است اما این تفکر درست نیست.

غیائی با اعلام اینکه کارگران در شهرهای بزرگ می‌توانند کار دوم و سوم داشته باشند گفت: در مناطق محروم یک کار هم به سختی‌گیر می‌آید بنابراین درآمد نیز پایین است و امکان در آمد حاشیه‌ای وجود ندارد و لازم است دستمزد برای مناطق محروم بیشتر باشد. وی با اعلام اینکه درحال حاضر شرکت‌های پیمانکاری بدترین ظلم را در حق کارگران می‌کنند، گفت: امروزه یک لیسانسیه عمران که تحت پوشش شرکت پیمانکاری در شهرداری ایلام کار می‌کند ماهیانه ۳۲۰ هزار تومان می‌گیرد وای به احوالات افرادی که سواد و تجربه لازم را ندارند. وی با اعلام اینکه شرکت‌های پیمانکاری حداقل مصوب دستمزد قانون‌کار را نیز نمی‌پردازند، گفت: این شرکت به صورت آشکار حقوق کارگران را تضییع می‌کند و دست کارگر به هیچ جا بند نیست.

غیائی با تأکید بر اینکه درصد بالای میزان بیکاری تأثیرات بدی بر دستمزدها گذاشته است، گفت: کارگر در شرکت پیمانکاری حق اعتراضی ندارد در صورتی که اعتراضی کنند به آسانی اخراج می‌شود.

وی با اعلام اینکه ایلام استانی محروم است، گفت: در این استان کار به سختی گیر می‌آید در نتیجه کارگر رسمی وجود خارجی ندارد و کارگر قراردادی نیز با حداقل حقوق استخدام می‌شود.

غیانی با تاکید بر اینکه در ایلام چیزی به نام امنیت شغلی وجود ندارد، گفت: بین عرضه و تقاضای کار تعادلی نیست به همین دلیل کارفرما هرگونه که دلش می‌خواهد با کارگران رفتار می‌کند و چنانچه مایل به ادامه همکاری نباشد بدون هیچ دلیل منطقی کارگران اخراج می‌شوند.

وی از بحران واحدهای صنعتی خبر داد و گفت: طی سال‌های ۸۷ و ۸۸ تعداد ۲۰ واحد استان تعطیل شده و بیش از هزار کارگر بیکار شده‌اند که همه این موارد حکایت از نبود امنیت شغلی کارگران دارد.

اخراج گسترده کارگران و بحران معیشتی کارگران بیکار

آسمان دلیلی نیوز: بحران در واحدهای تولیدی گسترش بیشتری می‌یابد. در برخی واحدها بسیاری از کارگران اخراج شده‌اند. کارگران برخی کارخانه‌ها نیز ماه‌هاست دستمزد دریافت نکرده‌اند و در معرض اخراج قرار دارند.

در تبریز بیکارسازی‌ها هر روز گسترش بیشتری می‌یابد. تراکتورسازی، کبریت‌سازی و موتوژن تبریز به مرور بسیاری از کارگران خود را اخراج کرده‌اند. تراکتورسازی تبریز در استانهی تعطیل قرار دارد و ۲۳۰۰ کارگر آن در معرض اخراجند.

در ورامین ۵۰ واحد صنعتی تعطیل شده‌اند. خبرگزاری ایلنا، به نقل از امام‌جمعه‌ی خیرآباد ورامین نوشت: در اثر رسیدگی نکردن مسوولان حدود ۵۰ درصد واحدهای صنعتی خیرآباد تعطیل شده‌اند.

ایلنا در گزارش دیگری از دو کارخانه نیمه تعطیل ایران ترمه و تهران پتو، به نقل از یکی از کارگران نوشت که کارگران این شرکت‌ها ۲۶ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند.

یک کارگر کارخانه‌ی ترمه‌ی قم با اشاره به کاهش تدریجی تعداد کارگران این کارخانه از ۳۰۰۰ به ۲۰۰ کارگر، افزود: بعد از اخراج بسیاری از کارگران کارخانه، تنها به عده معدودی از کارگران بیمه بیکاری تعلق گرفته است و بیشتر کارگران حتی از بیمه بیکاری هم محروم شده‌اند.

طبق قانون کسی که ۶ ماه سابقه کار داشته باشد، بیمه بیکاری به او تعلق می‌گیرد، اما با بخشنامه‌های داخلی بسیاری از کارگران را از این حق محروم کرده‌اند.

سهامداران بخش خصوصی پرستاران را به استثمار کشیده‌اند

آسمان دلیلی نیوز: رئیس نظام پرستاری کشور اعلام کرد: سهامداران بخش خصوصی پرستاران را به استثمار کشیده‌اند و سودهای چند میلیونی می‌برند اما برای کاهش ساعت کار پرستاران اعلام می‌کنند که مشکل اعتباری وجود دارد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، غضنفر میرزاییگی در مراسم روز پرستار در تالار وزارت کشور خطاب به رئیس‌جمهور افزود: تعداد مراجع تصمیم‌گیری برای تامین نیروی پرستاری و هزینه‌های استخدامی بسیار زیاد است و به تازگی زمزمه کمبود نیرو و اینکه قابل تامین نیست، آغاز شده است و شرط تامین نیرو را به بخش خصوصی واگذار کرده‌اند بخشی که تا بحال هیچ‌گونه دستورالعملی را اجرا نکرده است.

وی هم‌پوشانی در سازمان‌های ذیربط و بقایای سازمان مدیریت برنامه‌ریزی و بودجه را از دیگر مشکلات قشر پرستاری عنوان کرد و گفت: چرا تعرفه سایر گروه‌ها قابل مهار کردن نیست اما تعرفه پرستاری را عاملی برای ایجاد مشکلات در نظام سلامت می‌بینند.

رئیس نظام پرستاری کشور ادامه داد: پرستاران با سه تا چهار برابر ظرفیت خود کار می‌کنند و آیا مسئولان می‌دانند که سپری کردن یک شب با ۴۰ بیمار بستری توسط یک پرستار چه معنی دارد؟! پژوهش‌های علمی نشان داده است که با شرايطی که پرستاران وارث آن هستند بعد از ۱۵ سال فعالیت پرستاران سلامت و شادابی خود را از دست می‌دهند.

وی ادامه داد: پرستاران ۲۲ برابر معالمان در حرفه خود کم‌مردد و اختلالات خواب می‌شوند، ۷۸ درصد دچار فرسودگی شغلی و ۷۱ درصد از آنها کیفیت زندگی‌شان تحت تاثیر خستگی است. همچنین اگر بیش از ۱۲ ساعت فعالیت کنند احتمال دادن داروی اشتباه تا سه برابر افزایش می‌یابد.

میرزاییگی تصریح کرد: به هر گونه که محاسبه شود چه بر اساس جمعیت پزشک، باید بیش از ۲۲۰ هزار پرستار شاغل وجود داشته باشد در حالی که ۱۰۰ هزار نفر شاغل هستند. ساعت کار پرستاران زیاد است و در مقابل حقوق آنها ناچیز است.

وی بر رفع تعیض در پرداخت کارانه‌های پرستاران که گاهی با پزشکان یک به صد می‌رسد، تاکید کرد و خطاب به رئیس‌جمهور گفت: رفع معضلات حرفه‌ای برای شما کاری ندارد بیاید برای یک بار هم که شده با تعریف استاندارد خدمات و صدور به کارگیری مجوزهای استخدامی، کمبود پرستار را برطرف کنیم و قانون تعرفه‌گذاری خدمات و بهره‌وری را اجرایی کنیم.

رئیس نظام پرستاری کشور کاهش فاصله آموزش و بالین، بازنگری لباس پرستار، تغییر سیاست انتخاب پرستار برگزیده و تربیت پرستار در حوزه مدیریت بحران را از برنامه‌های سال ۸۹ این سازمان عنوان کرد.

همبستگی جهانی با کارگران دریند ایران در اول ماه مه

آسمان دلیلی نیوز: اول ماه مه روز جهانی کارگر، امسال در بسیاری از نقاط جهان به عنوان روز همبستگی با کارگران ایران نام گرفته است. آلمان، نروژ، کانادا و آمریکا از جمله کشورهایی هستند که برنامه‌مخصوصی برای این روز تدارک دیده‌اند.

امسال کارگران ایران در حالی به استقبال روز جهانی کارگر می‌روند که چهره‌های شناخته‌شده‌ی جنبش کارگری یا در زندان هستند و یا به حبس تعلیقی و محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم شده و یا از کار بیکار شده‌اند.

تا زمان تهیه این گزارش (دوم اردیبهشت) هنوز هیچ تشکل مستقل کارگری موفق به دریافت مجوز برای برگزاری مراسم روز اول ماه مه نشده است و حتی تهدیدهایی نیز از سوی نیروهای امنیتی صورت گرفته مبنی بر اینکه با هرگونه تجمع غیرقانونی در روز کارگر برخورد خواهد شد.

خبرهایی نیز از درون زندانها منتشر شده مبنی بر اینکه فشارها بر فعالان کارگری زندانی از جمله منصور اسانلو در آستانه روز کارگر تشدید شده است. اما فعالان کارگری خارج از ایران و نیز دیگر ایرانیان مقیم خارج، در روز کارگر بیکار ننشسته و برنامه‌های گوناگونی را برای این روز تدارک دیده‌اند.

آلمان

کمیته همبستگی برای ایرانیان در شهر فرانکفورت آلمان، روز اول ماه مه در کنار اتحادیه سندیکاها آلمان در مراسم روز کارگر شرکت می‌کنند. جعفر بابایی سخنگوی کمیته همبستگی برای ایرانیان هدف از شرکت در این مراسم را جلب توجه افکار عمومی آلمان و نیز همبستگی سندیکا کارگری این کشور با کارگران ایران اعلام می‌کند. وی می‌گوید: «خود ما به عنوان کمیته‌ی همبستگی در نظر داریم ضمن شرکت در این مراسم، با پلاکارتهای خودمان و با پخش اعلامیه‌های خودمان، نظر افکار عمومی آلمان و همین‌طور این سندیکا و کلاً سندیکا کارگری آلمان را به وضعیت موجود در ایران و وضعیتی که کارگران و زحمتکشان در ایران دارند جلب کرده و آنها را در اینجا معرفی کنیم.»

آقای بابایی می‌گوید هدف اصلی برگزارکنندگان این مراسم، جهانی کردن خواسته‌های اصلی کارگران ایران است. وی معتقد است وقتی کارگران ایران خودشان امکان اعلام خواسته‌هایشان را ندارند، این وظیفه‌ی ایرانیان خارج از کشور است که این مطالبات را همگانی کنند.

جعفر بابایی عمده‌خواسته‌های جنبش کارگری در ایران را که باید به گوش اتحادیه‌های کارگری در سراسر دنیا برسد، اینگونه برمی‌شمارد: «ما می‌بایستی سیاست‌ها و قوانین ضد کارگری رژیم را اینجا افشا کنیم و خواسته‌های کارگران ایران را اینجا اعلام کنیم. در اینجا ما باید به جنبش کارگری و افکار عمومی در مورد قراردادهای کوتاه‌مدت کار که در ایران اعمال می‌شود، یعنی استخدام‌هایی که اصلاً آینده‌ای ندارد یا در مورد خصوصی کردن مؤسسات تولیدی، واردات بی‌رویه کالاها که نابودی اقتصاد ملی را در پی دارد یا رشد بیکاری را بیشتر می‌کند، در مورد نبودن شرایط مناسب انسانی کار و دستمزد صحبت کنیم تا این‌ها بدانند که در ایران چه می‌گذرد، حق داشتن سندیکاها مستقل کارگری، چیزی که در ایران وجود ندارد و

برایش مبارزه می‌شود. ما باید برای آزادی فعالان بازداشت‌شده‌ی سندیکای ایران در اینجا افشاگری کنیم، افرادی مانند آقای منصور اسانلو رئیس سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، و همین‌طور آزادی همه‌ی زندانیان سیاسی.»

شهر کلن آلمان نیز روز اول ماه مه میزبان مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر خواهد بود. این مراسم در دانشگاه کلن برگزار خواهد شد و یکی از اعضای حزب چپ آلمان نیز در آن سخنرانی خواهد کرد.

علی‌اصغر سلیمی یکی از برگزارکنندگان این مراسم معتقد است به دلیل اعمال فشار روزافزون بر فعالان کارگری در آستانه روز کارگر، برگزاری این‌گونه مراسم در خارج از ایران حائز اهمیت است. او می‌گوید: «مراسمی که ما در روز اول ماه مه در دانشگاه کلن داریم، از این نظر می‌تواند حائز اهمیت باشد که در روزی که کارگران ایران زیر فشارهای مختلف قرار دارند به لحاظ اقتصادی و به لحاظ برگزاری اجتماعات، ممنوعیت‌هایی که برایشان وجود دارد، با تمام این شرایطی که در ایران هست که از هم اکنون اعلام شده که به هیچ وجه اجازه‌ی هیچ‌گونه تظاهرات رسمی در تهران و شهرستان‌ها داده نخواهد شد، با وجود وضعیت ورشکستگی عمومی اقتصاد ایران که اگر بخواهیم دقیق نگاهی بیندازیم، تاکنون بیش از ده‌ها هزار نفر از کارگران ایران در جنوب، در شمال و در قسمت‌های مختلف اراک و تهران و جاهای مختلف اخراج شده‌اند، در چنین شرایطی برگزاری حرکت ماه مه در ایران و به شکل حماسی و سمبولیک در کشورهای خارج می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد.»

نروژ

بزرگترین فدراسیون کارگری نروژ با ارسال نامه‌ای به محمود احمدی‌نژاد به ننگ داشتن فعالان کارگری از جمله منصور اسانلو در زندان اعتراض کرده‌است. این نامه همچنین برای وزارت امور خارجه نروژ، سفارت ایران در نروژ و سفارت نروژ در تهران ارسال شده است.

پس از ارسال این نامه، فدراسیون کارگری نروژ اعلام کرده که در روز جهانی کارگر در کنار سایر برنامه‌های خود به موضوع ایران و وضعیت کارگران در آنجا نیز خواهد پرداخت.

صادق کارگر فعال کارگری مقیم نروژ در مورد این فراخوان چنین می‌گوید: «این‌ها از مدت‌ها قبل چندین نوبت اعتراض کردند. اعتراضاتشان گسترده بوده و حالا نامه نوشته‌اند برای سفارت و برای رئیس‌جمهور ایران و برای وزارت امور خارجه ایران. بار اولشان نیست که اعتراض می‌کنند، ولی به خاطر این که در این روزهای آخر خبرهایی هست که نگران‌کننده است، مبنی بر این که به آقای اسانلو و دیگر فعالین کارگری در آستانه‌ی اول ماه مه دارند فشار زیادی می‌آورند و رفتار تحقیرآمیز و توهین‌آمیز هم نسبت به آن‌ها افزایش پیدا کرده است. به همین دلیل این باعث برافروخته‌شدن افکار عمومی، بخصوص اتحادیه‌های کارگری در نروژ و سایر کشورهای اروپایی شده است. در اینجا هم فعالین ایرانی مرتباً وضعیت را که در ایران هست، گزارش و اخبارش را در اختیار رسانه‌های نروژ و اتحادیه‌های کارگری قرار می‌دهند و آن‌ها هم خیلی سریع واکنش نشان می‌دهند، محکوم می‌کنند و اعلام همبستگی می‌کنند و خواهان آزادی زندانیان سیاسی و بخصوص زندانیان کارگری شده‌اند. چندین نوبت این اتفاق افتاده است.»

آقای کارگر می‌گوید افکار عمومی نروژ به دلیل سابقه تفکر سوسیال دموکراتی که در این کشور وجود دارد، نسبت به اخبار کارگری بسیار حساس است و سریع نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. وی می‌گوید: «اتحادیه‌های کارگری نروژ در چند واحد دنیا از جمله در خاورمیانه پروژه‌هایی دارد که کارگران را با مسائل اتحادیه آشنا کند و آموزش اتحادیه‌ای به آن‌ها دهد. حتی در مواردی به تأسیس مراکز کارگری کمک می‌کنند و قراردادهای مشترکی دارند، از جمله با اتحادیه کارگری در اردن، فلسطین، پاکستان و جاهای دیگر.»

کانادا

سازمان غیردولتی «هیچکس غیرقانونی نیست» در کانادا فراخوانی به مناسبت روز اول ماه مه داده است. جمعی از ایرانیان مقیم کانادا نیز اعلام کرده‌اند که با شعارهای خود و با هدف جلب افکار عمومی به وضعیت کارگران ایران در این مراسم شرکت خواهند کرد.

مهدی کوهستانی عضو اتحاد بین‌المللی در حمایت از مبارزات کارگران در ایران در مورد این مراسم چنین می‌گوید: «در بسیاری از شهرهای کانادا در روز اول ماه مه برنامه‌های متفاوتی هست به خصوص که امسال هم اول ماه مه با شنبه متلاقی شده. در شهر تورنتو نهادی هست که در چند سال گذشته با نام «هیچ‌کس غیرقانونی نیست» تظاهرات می‌گذارد و در این تظاهرات اکثر نهادهایی که در رابطه با مسائل کارگری، مسائل حقوق انسانی و مهاجرت همکاری می‌کنند، شرکت می‌کنند. در همان روز ما در شهر هامیلتون هم تظاهراتی داریم که آن را اتحادیه کارگری معادن برگزار می‌کند که این سنت هرساله‌ی‌شان است. این برنامه‌ها در واقع جشنی است که به عنوان اول ماه مه و به پاس دستاوردهایی که در مبارزات صدساله‌ی‌شان به دست آورده‌اند برگزار می‌شود و به مبارزه‌ی‌شان ادامه می‌دهند.»

در واکنش به عدم صدور مجوز برای برگزاری مراسم روز کارگر در ایران، مهدی کوهستانی می‌گوید این اتفاق جدیدی نیست: «در اصل جمهوری اسلامی هیچ موقع به نهادهای مستقل کارگری در ایران اجازه‌ی برنامه‌ی اول ماه مه ن داده است. یعنی حتی آن برنامه‌هایی هم که فرضاً سال گذشته به طور خصوصی انجام شد و فقط یک اعلامیه در رابطه با پارک لاله بود و یکی هم نشست کارگران فلزکار مکانیک بود، همه‌شان را دستگیر کردند.»

وی معتقد است در چنین شرایطی برگزاری اینگونه مراسم در خارج از ایران می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد: «در رابطه با مبارزات کارگران ایران خب بسیار مثبت است. یعنی کسی نمی‌تواند این را نفی کند که این مبارزات چقدر می‌تواند به شناخته‌شدن مبارزات کارگران ایران کمک کند و نقش‌اش بسیار برجسته است و این واقعیت که خود کارگران ایران از ما چه می‌خواهند، برجسته‌تر است و آن کاری هم که همه تا امروز کرده‌اند و بیشترش را هم انجام خواهند داد، تأثیر بسیار مثبتی بر مبارزات کارگران ایران دارد.»

شهرهای مونترآل و واشنگتن نیز از دیگر شهرهایی هستند که ایرانیان مقیم آنجا در کنار اتحادیه‌های کارگری به بیان خواست‌های کارگران ایران خواهند پرداخت.

میترا شجاعی

بحران اقتصادی در ایران

ایران در جهان : در سال آینده نیز کارگران ایران مجبورند زیر خط فقر زندگی کنند. بعلاوه از اکنون معلوم است که اقتصاد ایران با وجود افزایش درآمدهای نفتی تقریباً رشدی نخواهد داشت.

اقتصاد دانان در ایران محاسبه کرده‌اند که کارگر ایرانی ماهانه باید دست کم ۳۲۷ یورو درآمد داشته باشد تا حداقل نیازهای مادی خود را برآورده کند. به گفته این اقتصاد دانان داشتن چنین حداقلی برای تأمین غذا و پوشاک و مسکن و خدمات پزشکی، بقای مادی را در جامعه ایران میسر می‌کند. دیگر اقتصاد دانان مستقل خط فقر را برای کارگران ایران که در شهرها زندگی می‌کنند حتی ۵۹۹ یورو در ماه می‌دانند. زیرا به باور ایشان زندگی شهری بسیار پرهزینه‌تر از زندگی در روستاست.

کارگران ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند

آنگونه که بی‌بی‌سی فارسی زبان گزارش کرده کارگران ایران باید امسال به میانگین درآمد ۲۲۷ یورو در ماه بسنده کنند. این میزان ۱۱۰ یورو یعنی ۳۳ درصد زیر خط فقر است. این دوراهی ناخوشایند باعث شده حتی هادی مقدسی، نایب رئیس کمیسیون مسائل اجتماعی به اصطلاح مجلس ایران، این نتیجه را بگیرد که حداقل درآمد در سال نو ایرانی، آغاز شده در ۲۱ مارس، حداقل نیاز خانواده‌های کارگر را نمی‌پوشاند.

اما وزیرکار ایران، عبدالرضا شیخ‌الاسلامی، می‌گوید میزانی را نمی‌شناسد که بیانگر خط فقر باشد. فعالان کارگری در ایران علیه دولتی که مسائل اجتماعی آنها را منکر می‌شود اعتراض می‌کنند.

رضا درخشان، کارگر یک کارخانه نیشکر در هفت تپه در استان خوزستان، می‌گوید یک کارخانه نیشکر در شهرش تعطیل شده زیرا بیش از حد شکر وارد

تنها راه عدالت اجتماعی دمکراسی مستقیم مردمی از طریق جمهوری شورایی است!